

مدیریت مقام معظم رهبری در بحران بعد از انتخابات سال ۸۸

علیرضا سوری*
سیدمحمدحامد حسینی**

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۰۹/۱۰

تاریخ تأیید مقاله: ۹۴/۱۱/۰۵

صفحات: ۹۸-۵۷

چکیده

بحران، واقعیتی اجتناب‌ناپذیر در زندگی اجتماعی ملت‌ها است و بحران‌ها شرایطی‌اند که تدبیر و مدیریت، شجاعت و بصیرت و قدرت مواجهه با مسائل را از سوی رهبری نشان می‌دهد. هیچ مسئله‌ای به اندازه‌ی رهبری در زندگی اجتماعی انسان در تحولات گذشته‌ی تاریخ مورد مذاقه‌ی اندیشمندان و نظریه‌پردازان سیاسی نبوده است. در واقع جوهره و مدیریت سیاسی رهبران در کنترل بحران‌ها خلاصه می‌شود، چون بی‌تدبیری و بی‌کفایتی رهبران در هدایت و کنترل بحران‌ها باعث سقوط و از بین رفتن یک کشور می‌شود. یکی از بحران‌های بزرگ در تاریخ نظام جمهوری اسلامی، حوادث پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری بود که در چنین بستری، ظرفیت، کارآمدی و قدرت اندیشه ولایت در مواجهه با چالش‌های پیچیده و چند وجهی، نمود عینی به خود گرفت و منطق، درایت و دوراندیشی خاص رهبری را به نمایش گذارد. هدف از اجرای این تحقیق بررسی و توصیف نقش عظمای ولایت و سبک مدیریت ایشان در مهار و کنترل بحران بعد از انتخابات سال ۸۸ می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت، بحران، رهبری، مدیریت بحران، بحران سال ۸۸

* کارشناسی ارشد رشته مدیریت بحران و مدرس دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع)

** نویسنده مسئول: پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین(ع) و مدرس مؤسسه آموزش عالی غیردولتی-

kpmhhoseini@ihu.ac.ir

غیرانتفاعی ایوانکی

مقدمه

هر ملتی شکوه، شأن، منزلت و اقتدار خویش را از طریق چالش و نبرد با بحرانها در صحنه تاریخ به نمایش می‌گذارد که نقش رهبران در این میان حساس، مهم و تعیین‌کننده است (تاجیک، ۱۳۷۶: ۸۷) بحران‌ها در ذات خود بستر شکل‌گیری تهدیدها و فرصت‌هایی هستند که بر حسب نوع، شدت و گستره‌ی محیطی بحران، می‌تواند نظام سیاسی و مدیران حاکم را در شرایط دشوار و پرمخاطره‌ای قرار دهند. رهبران سیاسی می‌توانند در رشد و تعالی و یا نابودی ملت‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند. هر نظام سیاسی نیازمند رهبری است. بزرگترین رویدادهای تاریخ بشری به وسیله‌ی تصمیمات رهبران سیاسی رقم خورده است. عرصه بحران، عرصه بازی هوشمندانه نخبگان و هنرنمایی و فن‌آزمایی آنان است. به قول هگل، روح دولتها و ملتها، در ورطه بحرانها شکل می‌گیرد. در جهان امروز گستره تغییر و تحولات حادث، یکی از پراهمیت‌ترین دانش‌واژه‌های شناخته شده مفهوم بحران است. یکی از بحران‌های بزرگ در تاریخ نظام جمهوری اسلامی، حوادث پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری بود، آنچه پس از انتخابات رخداد در لایه ظاهری اعتراض به نتیجه انتخابات با ادعای واهی تقلب آن هم بدون دلیل و مدرک قانع‌کننده و با استفاده از روش‌های غیرقانونی و کشاندن اعتراضات به سطح خیابان‌ها بود؛ اما در پس پرده حوادث رخ داده و لایه زیرین آن، تلاش برای برهم زدن امنیت و آرامش کشور و مقابله با نظام اسلامی و براندازی آن در سایه حوادث و آشوب‌های خیابانی و تحت عنوان اعتراض به انتخابات، در دستورکار دشمنان و بدخواهان داخلی و خارجی نظام قرار گرفت.

بحران بعد از انتخابات دهم ریاست جمهوری اسلامی را باید یکی از پیچیده‌ترین شرایط سه دهه گذشته انقلاب اسلامی دانست که کنترل و مدیریت آن از حساسیت خاص و سرنوشت‌سازی برخوردار است که در این برهه ضرورت دارد به نقش تاریخ‌ساز ولی فقیه به عنوان رهبر الهی- سیاسی در مدیریت این بحران پرداخت. این مقاله رویکردهای معظم‌له را در قبل و بعد از انتخابات سال ۸۸ مورد مطالعه قرار می‌دهد.

مفاهیم و ادبیات

اصطلاح «بحران» بر گردان واژه «کرایسیز»^۱ است که خود مأخوذ از یک واژه طبی یونانی می‌باشد؛ این کلمه عموماً در ذهن یک وضعیت غیرعادی، وحشت‌انگیز، خشونت‌آمیز و سرنوشت‌ساز را تداعی می‌کند. بحران به وضعیتهای مختلفی از حیث انگیزه و چگونگی دوام اطلاق می‌شود؛ بنابراین نمی‌توان تعریفی کیفی و دقیق از آن ارائه کرد؛ اما بروز نشانه‌هایی در موارد معین، علامت بحران است. بحران در کاربرد گسترده و عام ناظر به افراد، زندگی، نظام، کنش‌ها، نهادها و سازمان‌های مرتبط به آنها است. یکی از محورهای اصلی در هر بحران تأثیر بحران بر نحوه و نوع درک خود و تعیین موقعیت خود بازیگران نظامها یا حوزه‌های متأثر از بحران است. (کاظمی، ۱۳۷۶: ۵۲). یکی دیگر از تعاریف؛ واژه بحران را معادل فرصت خطرناک یعنی ترکیبی از تهدید و فرصت دانسته است. در این تعریف بحران به منزله لحظه تصمیم در شرایط فقدان (شرایط عدم امکان تصمیم‌گیری) است. این تعریف به ما کمک می‌کند که به مفهوم بحران از منظر مدیریتی نگریسته و آن را به عنوان عرصه تصمیم و تدبیر مورد مطالعه قرار دهیم (معاونت سیاسی نمسا، ۱۳۸۱: ۲۴-۲۱).

واینر و کان^۲ در یک نگرش جامع، این تعاریف را از بحران ارائه کرده‌اند (تاجیک، ۱۳۷۹: ۵۳):

۱. نقطه چرخش در رویدادها و کنش‌ها که پیامدهای غیرمنتظره‌ای به دنبال می‌آورد.
۲. شرایطی که ایجاد نااطمینانی کند و واکنش فوری شرکت‌کنندگان را طلب کند.
۳. کاهش کنترل بر رویدادها و شرایطی که در آن اطلاعات در دسترس به شدت کاهش یابد.
۴. شرایطی که همراه با افزایش فشارها و تنش برای مسئولین و جوامع باشد.

1- Crisis
2- Viner & Kon



شکل ۱: خصوصیات سه‌گانه بحران

شناخت بحران و پدیده‌های بحرانی در جامعه

ریمون آرون جامعه‌شناس فرانسوی: «کمتر نسلی را سراغ داریم که احساس نکرده باشد که در حال بحران یا به عبارت دیگر در نقطه چرخش تاریخ به سر می‌برد.» (ریمون آرون، ترجمه محمد مشایخی، ۱۳۷۷: ۳۳۴). همه نظریه‌پردازان سیاسی سعی کرده‌اند عناصر ثابت‌بخش جامعه را ارزیابی کنند و دریابند که چگونه می‌توان مانع از آن شد که رقابتها، تضادها، تعارضات و کشمکش‌های سیاسی باعث فروپاشی و تجزیه جامعه نشود. افلاطون و بحران عدالت، ماکیاولو بحران ثبات، توماس هابسو بحران آمریت، جانلاکو بحران مشروعیت، ادموند برکو بحران مدنیت، مارکس و بحران سرمایه‌داری، روسو و بحران اخلاقیات که اندیشه‌های آنان در اطراف پدیده‌های بحرانی شکل گرفته است. از این جهت است که مقوله مدیریت بحران در آغاز چارچوب علوم رفتاری مطرح شد و بسیاری از نظریه‌ها و فرضیه‌های مربوط به آن در همین قلمرو شکل گرفته است.

* شکل‌گیری و مراحل مدیریت بحران

مراحل مدیریت بحران شامل طیف گسترده‌ای از اقدام‌های عادی تا اقدام‌های خشن نظامی می‌شود. صرف‌نظر از اتخاذ هر یک از راهبردهای یادشده، مدیران بحران ناگزیر به بهره‌گیری از یک سلسله کنش‌های منطقی به منظور سازمان‌دهی راهبرد مناسب جهت مهار بحران می‌باشد. این مراحل عبارتند از:

جدول ۱: شکل‌گیری و مراحل مدیریت بحران

گام اول	• شناخت و تعریف مسئله:
گام دوم	• - درک آسیب‌پذیری و تهدید:
گام سوم	• - تحلیل خطرپذیری (ریسک):
گام چهارم	• - سنجش بازخوردهای مثبت و منفی هر راهبرد:
گام پنجم	• - پاسخ به بحران:

۱) شناخت و تعریف مسئله: در این مرحله تدبیر بحران نیازمند یافتن پاسخی مناسب (در پرتو اطلاعات در دسترس) می‌باشد.

۲) درک آسیب‌پذیری و تهدید: به اعتقاد باری بوزان، در صورتی که فرد به درک معقولی از ماهیت تهدیدها و آسیب‌پذیری‌های مربوطه دست پیدا کند، می‌تواند موضوع امنیت ملی را به درستی به عنوان یک مسئله‌ی سیاسی بشناسد. بنابراین شناخت و درک جایگاه و ویژگی‌ها و کارکردهای این دو حوزه، نقش مؤثری در اتخاذ راهبردها و فنون مناسب جهت جلوگیری از ارتباط و اتصال این دو حوزه و تشدید شرایط بحران و فشار بر مدیران بحران دارد (تاجیک، ۱۳۷۹: ۹۳-۹۰).

۳) تحلیل خطرپذیری: طبیعت یک بحران همواره غیرقابل پیش‌بینی و کنترل کامل می‌باشد؛ بنابراین هر اقدامی به منظور تحدید و کنترل بحران توأم با خطرپذیری خواهد بود. تدوین گزینه‌های راهبردی ممکن در مهار بحران در این مرحله گزینه‌های راهبردی مؤثر در کنترل بحران تدوین و مورد ارزیابی کلی قرار می‌گیرد. در تدوین راهبردهای مهار بحران، دو وجه کلی مدنظر قرار می‌گیرد. یکی راهبرد مستقیم است که قدرت در آن عامل اصلی برشمرده می‌شود و دیگری راهبرد غیر مستقیم است که در آن قدرت در حاشیه قرار می‌گیرد.

۴) سنجش بازخوردهای مثبت و منفی هر راهبرد: احصاء تقریبی بازخوردهای مثبت و منفی یک گزینه‌ی راهبردی از حساس‌ترین مراحل تدبیر بحران می‌باشد. مدیران بحران نمی‌بایست قبل از بکارگیری هر راهبرد به دقت نتایج حاصل از اجرای آن را بررسی و تحلیل نمایند (تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۰۲).

۵) پاسخ به بحران: مدیران بحران پس از انتخاب راهبرد برتر، می‌بایست به ابعاد بحران پاسخ و واکنش مناسب داده و ضمن بهره‌گیری از همه‌ی قدرت و ظرفیت‌های خود جهت مهار بحران می‌بایست تلاش کنند با خویشتن‌داری و به طور مدبرانه و با کمترین هزینه و خسارت، وضعیت بحرانی را به سمت عادی و بازگشت به شرایط اولیه سوق دهند.

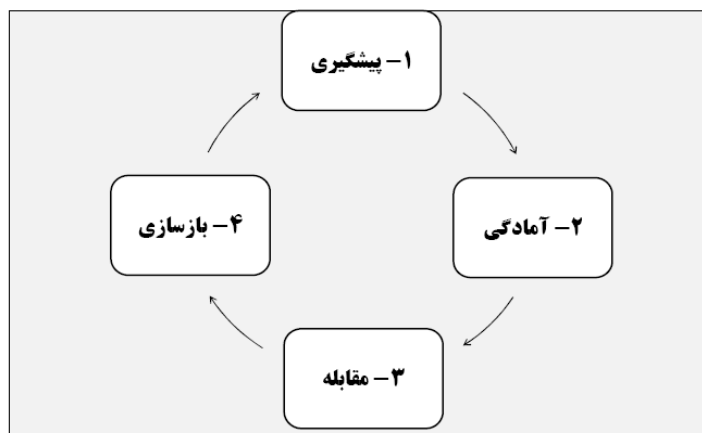
* چرخه مدیریت بحران

۱) **پیشگیری:** اقداماتی با هدف جلوگیری از وقوع مخاطرات یا کاهش آثار زیانبار آن.

۲) **آمادگی:** اقداماتی برای افزایش توانایی در انجام مراحل مختلف مدیریت بحران. آمادگی شامل جمع‌آوری اطلاعات، پژوهش، برنامه‌ریزی، ایجاد ساختارها، آموزش، تأمین منابع، تمرین و مانور است.

۳) **مقابله:** ارائه خدمات اضطراری و فوق‌العاده بدنبال وقوع بحران است با هدف حفاظت از منابع مختلف در جلوگیری از گسترش خسارات مقابله در حوادث بحرانی شامل شناسایی دامنه بحران، ریشه‌یابی عوامل ایجاد بحران، استفاده از ابزارهای انسانی، اطلاعاتی و فیزیکی مورد نیاز برای مقابله با بحران است.

۴) **بازسازی:** بازگرداندن شرایط یک سازمان آسیب‌دیده پس از بحران به شرایط عادی با در نظر گرفتن ویژگی‌های سازمان موفق و کلیه ضوابط ایمنی (تاجیک، ۱۳۷۹: ۴۷).



شکل ۲: چرخه مدیریت بحران

*رهبران از دیدگاه ماکسوبر

در مطالعات بر حسب معیارهای مختلف، تقسیم‌بندی‌های متفاوتی از انواع رهبری به عمل آمده است که یکی از این معیارها منبع اقتدار رهبران است. اعمال مدیریت سیاسی از مهمترین مصادیق اعمال اقتدار رهبران برای مدیریت نظام اجتماعی و سیاسی است و ایجاد این اقتدار از هر طریق نشاندهنده میزان و منشأ مقبولیت اوست. این تقسیم‌بندی، متأثر از دیدگاه ماکسوبر درباره منابع سلطه و اقتدار رهبران است و در مباحث مدیریت سیاسی، ارزش زیادی دارد این مفهوم، به ویژه برای مطالعه جنبشهای انقلابی اهمیت بسیار دارد. به نظر وبر، رهبران می‌توانند اقتدار خود را از سه منبع زیر کسب نمایند.



شکل ۳: چرخه مدیریت بحران

۱- رهبر کاریزما: کاریزما در کاربرد متداول، قدرت ویژه یک شخص برای القای حس شیدایی و وفاداری است. رهبران کاریزماتیک اغلب افرادی با قدرت فوق طبیعی، مطمئن به خود، با ایمان مستحکم، انرژی زیاد، شور و شوقی که به دیگران منتقل می‌کنند و توانایی دستکاری نمادهای قدرت و موفقیت برای ایجاد جذابیت احساسی برای پیروان توصیف می‌شوند. در رهبر کاریزما اعتقاد پیروان به ویژگی خارق‌العاده رهبر، اهمیتی اساسی دارد و رهبری بر پایه مدیریت عواطف پیروان استوار است.

۲- رهبر سنتی: رهبری که مشروعیت و منبع اقتدار او براساس سنت و آداب و رسوم جاری در جامعه شکل می‌گیرد؛ یعنی رهبری که از آباء و اجداد به فرزندان و نوادگان‌شان به ارث می‌رسد و مردم یا نمایندگان آنها هیچگونه نقشی در انتخاب و انتصاب آنها ندارند.

۳- رهبر قانونی: در این نوع رهبری، قانون و منبع عقلانیت است که به اقتدار رهبر و شیوه مدیریت او مشروعیت می‌دهد. اینگونه رهبری بصورت مستقیم یا غیرمستقیم از طریق مردم انتخاب می‌شوند یعنی یا مردم مستقیم به پای صندوقهای رأی می‌روند و آنرا انتخاب می‌کنند و یا نمایندگان مردم (پارلمان) از طرف مردم آنرا انتخاب می‌کنند و رهبر برای مدت زمان مشخص حکومت را در دست می‌گیرد و رهبری می‌کند (بشیریه، ۱۳۷۷: ۶۳-۲۰).

مدیریت مقام معظم رهبری در بحران بعد از انتخابات سال ۸۸

محمدحسینی نهبیکل، روزنامه‌نگار و نویسنده‌ی مشهور مصری در تحلیل اوضاع پس از انتخابات ایران می‌گوید: «بنده به چند دلیل اعتقاد دارم که می‌توان مسائل را ترمیم و از آن عبور کرد. دلیل اول اینکه نظام هنوز قوی است. دلیل دوم این‌که قدرت رهبر هنوز مورد احترام است و همه وی را داور می‌دانند. پس از آن‌که رهبری بعد از انتخابات سخنرانی کرد، صدای راهپیمایی‌ها در خیابان‌ها کاهش یافت و آنچه بعد از آن مشاهده کردیم، تحرکات بسیار کوچک و محدودی بود؛ خصوصاً در شمال تهران، جایی که طبقه‌ی متوسط سکونت ندارند».

اظهار نظر فوکویاما در کنفرانس اورشلیم اظهار عجز غرب در مواجهه با قدرت رهبری در حفظ ساحت کربلا و مهدویت علاوه بر درایت این مقام مهم در مهندسی بحرانها که نمود آن را می‌توان در تمامی عرصه‌ها پس از آغاز زعامت ایشان و حتی پیش از آن جستجو کرد. فوکویاما معتقد است «شیعه پرنده‌ای است که افق پروازش خیلی بالاتر از تیرهای ماست. پرنده‌ای که دو بال دارد: بال مهدویت و عدالتخواهی و بال شهادت‌طلبی که ریشه در کربلا دارد. البته شیعه بعد سومی هم دارد که اهمیتش بسیار است؛ این پرنده زرهی به عنوان ولایت‌پذیری بهت ندارد که قدرتش با شهادت دو چندان می‌شود؛ بنابراین شیعه عنصری است که هر چه او را از بین ببرند بیشتر می‌شود. مهندسی معکوس فوکویا این است که ابتدا بایستی ولایت فقیه را مورد حمله قرار دهید تا بتوانید به ساحت قدسی کربلا و مهدویت تجاوز نمایید (امیری، ۱۳۹۰: ۸۲).

۱- مبانی اندیشه‌ای مقام معظم رهبری

برای پی‌بردن به ابعاد شخصیتی افراد لازم است مبانی اندیشه‌ای آن فرد مورد بررسی قرار گیرد چرا که نوع مدیریت افراد بسته به نوع اندیشه‌ای است که در آنان وجود دارد لذا با عنایت به شخصیت چند بعدی مقام معظم رهبری که مورد اذعان اغلب علماء و اندیشمندان و حتی برخی از شخصیت‌های خارجی می‌باشد و این مبانی توانسته است در طول مدت زعامت ایشان کشور و نظام اسلامی را از حوادث و بحرانهای بوجود آمده عبور دهد. در زمینه‌ی مبانی اندیشه‌ای مقام معظم رهبری یکی از مسائل که مورد توجه است احاطه‌ی کامل ایشان بر مبانی «حکمت عملی» می‌باشد. حکمت عملی در نزد فلاسفه و حکمای اسلامی در سه مؤلفه «تهذیب نفس و اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن» مشاهده می‌شود (محقق، ۱۳۸۸، www.fars.ir).

رهبر معظم انقلاب اسلامی دارای شخصیتی چند بعدی و برجسته هستند. فقیهی زمان‌شناس و آینده‌نگر، سیاستمداری اخلاق‌محور و هوشمند، مدیری حکیم، توانمند و اندیشمندی فرزانه است؛ بنابراین در زمانی که بحرانی پیش می‌آید

حکیمانه عمل می‌کنند و تصمیم می‌گیرند که استفاده‌ی دشمن از این موقعیت‌ها کاهش می‌یابد؛ اما در میان این گستره‌ی وسیع از خصلت‌های شخصیتی رهبر معظم انقلاب، بیش از هر چیز، خصایص اندیشه‌ای و ویژگی‌های ایده‌پردازانه‌ی ایشان مورد غفلت واقع شده است. از این رو بی‌راهه نیست اگر ادعا کنیم که بعد اندیشه‌ای و خصلت‌های فکری رهبر معظم انقلاب مظلوم‌ترین بخش از ابعاد شخصیتی ایشان است و بیشترین بی‌مهری را به خود دیده است. در حالی که توجه شایسته به اندیشه‌ها و ایده‌پردازی‌های ایشان می‌تواند قابلیت‌های جدیدی را برای حل معضلات و مشکلات جامعه فراهم آورد. علاوه بر رویکردهای سیاسی، سطحی، شعاری و ابزاری به اندیشه‌های ایشان، آنچه آشکار است و موجب عدم بسط مناسب اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب شده، فقدان نگاه‌های روشمند، منظم و دقیق به اندیشه‌های ایشان است. رویکرد مقام معظم رهبری نسبت به مسائل گوناگون را می‌توان تحت عنوان کلی «آرمانگرایی واقع‌بینانه» درک و تبیین نمود.

۱-۱. رهبر معظم انقلاب از یکسو در همه‌ی حوزه‌ها، ذره‌ای از آرمان‌های اصیل اسلامی و انقلابی کوتاه آیند و از سوی دیگر این آرمان‌ها را درحوزه‌ی واقعیت‌ها و با توجه به شناخت دقیق واقعیت‌های عینی به شیوه‌ای عقلانی و معتدل پی‌گیری می‌کنند، درک این نکته در اندیشه‌های ایشان بسیار حیاتی است، چرا که نظام ما از سوی اندیشه‌ها و اعمال آرمانگرایانه‌ی غیرواقع‌بین و واقعگرایی غیرآرمانی، مورد تهدید است. مقام معظم رهبری واقع‌بین است نه واقعگرا. واقعگرایی تسلیم شرایط و وضعیت موجود شدن و در موضعی انفعالی نسبت به وضع موجود، تصمیم گرفتن است؛ اما در واقعینی شاهد نوع خاصی از حکمت هستیم. اتخاذ شرایط موقعیتی در تصمیم‌گیری‌ها در عین التزام به اصول اساسی و بنیادین که به طور خلاصه می‌توان آن را ترکیب شرایط نامعین با اصول معین دانست.

۱-۲. دومین مسئله‌ای که با دقت در اندیشه‌های رهبری حاصل می‌شود، درک انقلاب اسلامی به مثابه پوششی برای شکل‌دادن به تمدن‌انیرانی - اسلامی است. در این نگاه هدف از انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی، سامان دادن و فراهم آوردن یک زندگی مادی و معنوی مؤمنانه، پیشرفته و توسعه یافته است و زندگی

فردی و اجتماعی شکوفا، مبتنی بر هویت اصیل اسلامی و ایرانی، در راستای نیل به این تمدن اسلامی - ایرانی است و البته همیشه گوشزد می‌کنند که این توسعه باید کاملاً مبتنی بر الگویی باشد که مختص خود ماست و از الگوی دیگر کشورها تقلید نشده باشد. لذا دغدغه محوری ذهن مقام معظم رهبری توسعه‌ای مبتنی بر هویت و ارزشهای دینی و ملی و توسعه‌ای که برآمده از متن جامعه باشد که این امر از یک طرف نشان از همان رویکرد آرمان‌گرایی واقع‌بینانه دارد و از طرف دیگر مبین درک عمیق ایشان از مفهوم توسعه است.

۱-۳. یکی از ویژگی‌های مقام معظم رهبری در حوزه‌ی اندیشه این است که ایشان اندیشه‌های نو و مفاهیم جدید را در همراهی با جامعه و به مرور زمان با توجه به آماده‌سازی بسترهای لازم در درون گروه‌های اجتماعی و سیاسی مطرح می‌سازند و این از خصلت‌های یک رهبر ژرف‌نگر و دوراندیش است. این بدین معناست که ایشان مفاهیم اجتماعی و سیاسی را به یکباره و بدون مقدمه‌چینی و آماده‌سازی بسترهای لازم بیان‌کنند و اجازه می‌دهند که جامعه به مرور با این مفاهیم خو بگیرد و با ایشان همراه شود. علاوه بر این، ایشان تلاش دارند که جامعه در حوزه‌های مختلف مسیر رشد را طی کند و ایشان صرفاً از منظر هدایت‌گری در این مباحث حضور می‌یابند. مثال عینی این ویژگی اندیشه‌ای، برخوردی است که ایشان با گروه‌های مختلف سیاسی داشته‌اند. همچون هدایت تفکر اصلاح‌طلبی در مسیر صحیح آن و بعد از آن بیان تعریف درست از واژه‌های اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی که مانع از تقابل این دو تفکر در برابر همدیگر شدند (قالیباف، ۱۳۸۷: ۲۶).

۲- ارکان اندیشه‌ای مقام معظم رهبری

۱-۲- عقلانیت

نگاه عقلانی، با برنامه و محاسبه و هوشمندی و تدبیر باعث می‌شود که در طی هر مسیری دچار لغزش و انحراف نشویم. دین‌مداری، عدالتخواهی، آزادی‌طلبی و هر آرمان اسلامی و انسانی دیگر اگر با عقلانیت همراه نباشد، نه تنها ما را به سر

منزل مقصود نمی‌رساند بلکه مشکلات را پیچیده‌تر هم می‌کند و موجب ایجاد انحراف هم می‌شود، این بیان نشان می‌دهد که به جای مفهوم عدالت، هر آرمان ایده دیگری را می‌شود قرار داد و همه ارزشها و آرمانها باید همراه عقلانیت تعریف شوند. تشخیص و پیگیری دین مداری، ارزشهای دینی، آزادیخواهی و دیگر چیزها هم اگر همراه با عقلانیت نباشد، دچار گمراهی و اشتباه می‌شویم.

۲-۲- اعتدال

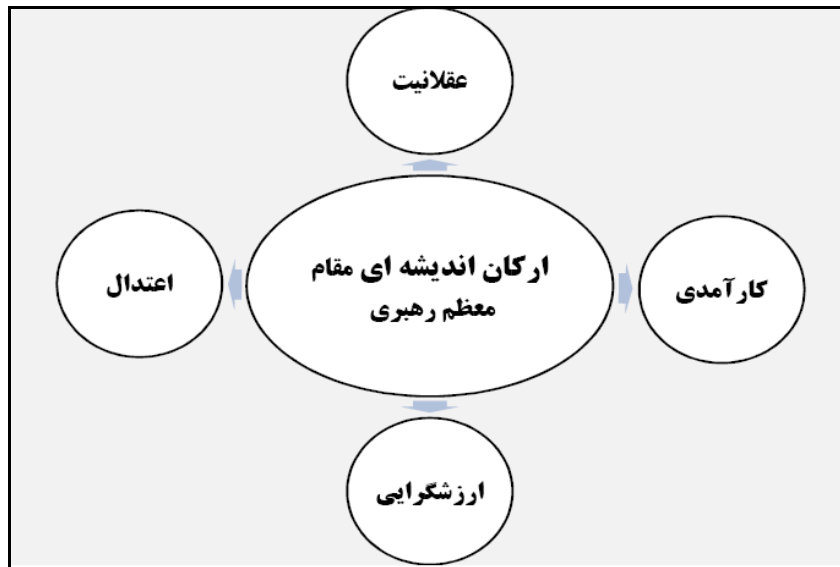
اعتدال را باید از یک طرف دوری از افراط دانست و از طرف دیگر نگاه همه جانبه‌نگر به موضوعات اجتماعی. اگر در پیگیری آرمانها و اهداف خود از یک طرف دچار تندروری و کندروی باشیم از طرف دیگر حوزه‌ای را مغفول بگذاریم و همه حوزه را در ارتباط و در نسبت متعادل با هم پیگیری نکنیم، دچار بی اعتدال شده. نگاه اعتدالی رهبری به همه حوزه‌های اندیشه و عمل آشکار است. «... عقیده و سلیقه‌ام همین بود که دانشجو باید از افراط و تفریط پرهیز کند. من با افراط کاری و زیاده روی‌های گوناگون در هر جهتی موافق نیستم، با اعتدال، با روش منطقی و صحیح مسائل را دنبال کنید» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۷/۷/۷۶).

۲-۳- ارزشگرایی

آنچه یک رکن خدشه‌ناپذیر در اندیشه مقام معظم رهبری است اعتقاد و پایندی با تمام وجود به ارزشهای اسلامی و انسانی در همه حوزه‌هاست. ایشان به هیچ وجه حاضر به ذره‌ای کوتاه آمدن از این ارزشها نیستند و در جای جای اندیشه‌های ایشان توجه به ارزشها موج می‌زند: «باید در کلیه مسائل و امور از جمله مقوله توسعه، در چارچوب ارزشها، اهداف و معیارهای اسلامی حرکت کنیم... همه ابعاد توسعه یعنی توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی باید هماهنگ پیش رود و ضمن محور قرار دادن مردم، با موازین دینی و ارزشی جامعه، سازگاری کامل داشته باشد».

۲-۴- کارآمدی

به نظر می‌رسد هر رویکرد فکری و عملی اگر سه رکن عقلانیت، اعتدال و ارزشگرایی را توأمأً به همراه داشته باشد، حاصلی که به بار خواهد آورد کارآمدی است. نگاه مقام معظم رهبری به مقوله کارآمدی نظام بسیار اساسی است تا آنجا که ایشان کارآمدی مسئولان نظام را شرط مشروعیت آنها می‌دانند و بین مشروعیت و کارآمدی پیوند برقرار می‌کنند. رهبر معظم انقلاب در دیدار نمایندگان مجلس خبرگان، مشروعیت همه مسئولان کشور را به کارآمدی آنان در انجام دادن وظایف قانونی وابسته دانستند و تأکید کردند: «ضمن استقامت کامل در اهداف و مبانی با اصلاح، تغییر و تکامل روشها، حرکت به سوی اهداف پیش‌بینی شده را با عزمی راسخ ادامه می‌دهیم. از هیچ کس انتظار معجزه نمی‌رود اما در عملکرد همه مسئولان باید کارآمدی و نشانه‌های موفقیت در انجام دادن وظایف محوله، آشکار و ملموس باشد» (قالیباغ، ۱۳۸۷: ۲۹).



شکل ۴: ارکان اندیشه‌ای مقام معظم رهبری

۳- ویژگی‌های مدیریتی مقام معظم رهبری

۳-۱- جوان‌گرایی و نخبه‌گرایی

از جمله ویژگی‌های مدیریتی ایشان در طول بیش از ۲۰ سال گذشته، جوان‌گرایی و نخبه‌گرایی بوده است. رهبری نظام به عنوان عالی‌ترین مقام رسمی کشور که سیاست‌های کلی نظام، اهداف و چشم‌اندازهای انقلاب را ترسیم و از طریق دستگاه‌ها و نهادهای مختلف تحقق آنها را دنبال می‌کند، از این رویکرد راهبردی در روند اداره شئون جامعه برخوردار بوده که اولاً از نظرات کارشناسی شده در تصمیم‌گیری و تصمیم‌گیری استفاده کرده و ثانیاً توجه ویژه‌ای به نخبگان و صاحب‌نظران در سایر حوزه‌های علمی و تخصصی و فنی از سوی ایشان مبذول شده است. در این زمینه اهتمام رهبری به مسائل و مشکلات نخبگان، برگزاری نشست‌های مختلف با دانشگاهیان و نخبگان و توجه به علوم و فنون متنوعی که به عنوان شاخص‌های مهم در ارزیابی پیشرفت کشورها مورد نظر قرار می‌گیرند (از قبیل نانو تکنولوژی، سلول‌های بنیادین، پزشکی، فناوری هسته‌ای و ...) به عنوان یک فرهنگ در بین کارگزاران و مدیران ارشد نظام تبدیل شده تا به نحوی جدی‌تر و اسمی‌تر به تأمین نیازهای جامعه نخبگی کشور توجه کنند.

۳-۲- طرح راهبردها و شعارهای کلان

یکی دیگر از ویژگی‌های کلان مدیریتی رهبر فرزانه انقلاب از سال ۶۸ تاکنون، طرح راهبردها و شعارهای کلان در ابتدای هر سال بوده که با هدف فرهنگ‌سازی و فضا سازی در سطح جامعه بوده است. این شعارها مباحث کلی که گویی اجزای یک منظومه فکری و استراتژیک بوده‌اند و با گذر زمان و با افزوده گشتن شعارها و راهبردهای تازه تکمیل‌تر شده‌اند. ویژگی مهم دیگر در سیره مدیریتی رهبر انقلاب اسلامی در طول ۲۴ سال گذشته، تلاش برای آرامش بخشی به زیر مجموعه‌های ساختاری نظام و تزریق امید و نشاط و آرامش به لایه‌های اجتماعی بوده است. در حقیقت ایشان با این سیاست، همواره از پیچیده تر شدن تنش‌ها و گره خوردن مسائل جلوگیری نموده‌اند (همان: ۳۱-۲۷).

۳-۴- اصل پویایی و برخورد فعال نسبت به مسائل

رهبری نظام علاوه بر تدبیر و مدیریت بحران‌ها و تنش‌ها در کوتاهترین زمان و جلوگیری از افراط‌ها و تفریط در اداره کشور. اصل پویایی و برخورد فعال نسبت به مسائل یکی دیگر از ویژگی‌های مدیریتی رهبری معظم انقلاب بوده است. سفرهای استانی رهبر انقلاب، بازدیدهای سرزده از مراکز علمی و صنعتی، برگزاری جلسات هم‌اندیشی با اصحاب فرهنگ، هنر، ادبیات، مطبوعات و... و ارتباطات فعال با اقشار مختلف مردم همه و همه مصادیق پویایی و سرزندگی مدل مدیریتی کشور از سوی رهبری بوده است. همچنین حساسیت ایشان نسبت به مسائل جهان اسلام (بوسنی - لبنان - فلسطین - سوریه و...) گویای فعال بودن نگاه ایشان در قبال مسائل داخلی و خارجی است (انصاری، ۱۳۸۸: ۲).

۳-۵- شناخت محیط داخل و خارج و جریان‌شناسی دقیق مسائل

از دیگر ویژگی‌های ایشان شناخت محیط پیرامون خودشان و جریان‌شناسی دقیق مسائل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است که این موارد با اتکاء به تجربیات و اطلاعات به‌روزی که دارند، امکان پذیر است. اطلاعات و جریان‌شناسی مقام معظم رهبری در سه لایه جهانی، در خط ناتو و در سطح منطقه‌ای توانسته است موضع‌گیری بی‌بدیلی از ایشان به نمایش درآورد... مقام معظم رهبری با اتکاء به ویژگی دشمن‌شناسی و جریان‌شناسی، همیشه جلوتر از نخبگان سیاسی در جامعه حرکت می‌کند، مثلاً مقام معظم رهبری در مسئله شیخون فرهنگی بسیار جلوتر از کسانی بودند که مسئولان امور فرهنگی کشور هستند. توکل به خدا یکی از دیگر علل روحیه بالای استکبارستیزی مقام معظم رهبری می‌باشد و این توکل بارها نمود عینی داشته است که نمونه آن را در جنگ ۳۳ روزه می‌توان ذکر کرد که ایشان مدت‌ها قبل از آن در دیدار فرماندهان حزب‌الله لبنان، پیش‌بینی کرده که آنها در جنگ پیروز می‌شوند و هیچ یک از آنها به شهادت نمی‌رسند» (سالک، ۱۳۸۸).

۳-۶- تکلیف محوری مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری کاملاً تکلیف محور عمل می‌کنند زیرا اگر انسان برای خودش مطرح بود محافظه کار شده و در مقابل دیگران کوتاه می‌آید، لذا مقام معظم رهبری منافعی ندارند که بخواهند آنها را حفظ کنند. در زندگی شخصی ایشان هیچ تعلقی وجود ندارد، حتی خودشان می‌فرمایند من باید قبل از انقلاب شهید می‌شدم یا باید در جنگ شهید می‌شدم، یا باید در انفجار حزب می‌بودم که شهید شوم و همواره می‌فرمایند من چیزی را از خدا طلب ندارم، همین قدر که عمر کرده ام اضافه بر آن است (۱۹/۳/۸۸-www.iqna.ir).

۳-۷- با بصیرت حرکت کردن

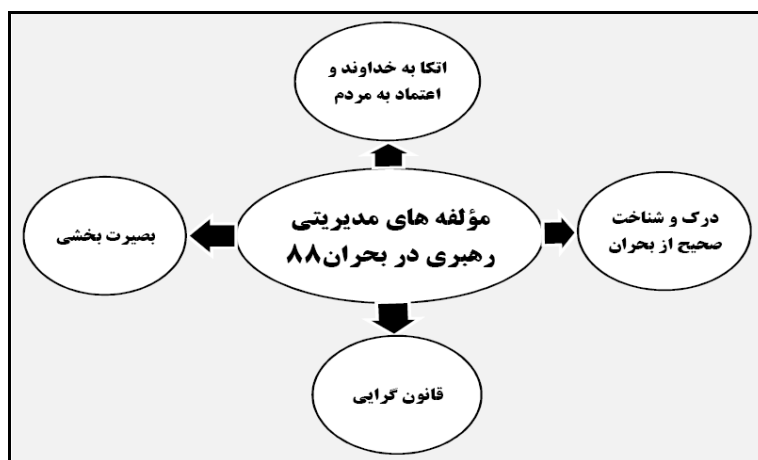
مقام معظم رهبری به راهی که دارند می‌روند مطمئن هستند. در تاریکی و تردید قدم بر نمی‌دارند با بینش الهی مسیر درست را می‌بینند و گذشته هم نشان داد که هیچ وقت از مسیر طی شده پشیمان نیستند اکنون مشخص شده که بهترین مسیر و راه طی شده است و راه بهتری وجود نداشته که ترک شده باشد. این نشان از این است که رهبری مسیر را می‌شناسد و با بصیرت حرکت می‌کند و مردم را می‌بیند که از چه مسیری حرکت بدهند که آسیب نبینند. مقام معظم رهبری مردم را خوب شناخته است، اتحاد مردم، توجه دادن مردم به اصول مبنایی، ایجاد پایداری، ایستادگی و وحدت تا جایی که مردم در پای اصول ثابت قدم بمانند. ایشان مردم را از این بحران‌ها به سلامت عبور داده‌اند و آنچه که برای ایشان مهم است پای فشاری بر اصول و حفظ دستاوردها و ارزش‌ها است. علاوه بر بحث بحران، مقام معظم رهبری در دو جبهه کشور را هدایت می‌کند هم از بحران‌ها عبور می‌دهند و هم زمینه پیشرفت کشور را فراهم می‌نمایند.

۳-۸- الگوگیری از بزرگان دین (ائمه و پیامبر)

امید، صبر و شکیبایی، یقین و عزم راسخ در پیگیری اهداف و آرمانها، پایداری و استقامت، قاطعیت، آینده‌نگری و دیدن افق‌های دوردست، عدم سهل‌انگاری و

مسامحه‌جو عدم مصالحه و کوتاه آمدن بر سر اصول و آرمان‌های اصیل و روشن انقلاب، کلان‌نگری در عین توجه به مسائل خرد و ابتکار و نوآوری و ثبات شخصیت در فکر و عمل، از ویژگی‌های شخصیتی مقام معظم رهبری است و این بیانگر تأسی معظم له به الگو قرار دادن شیوه‌های رفتاری رهبران و بزرگان دینی، بخصوص پیامبر اعظم (ص) می‌باشد. ایشان در برخورد با موضوعات مختلف بر اساس این اصول و ویژگی‌ها، رفتاری دارند که هر کس به این اصول آشنایی داشته باشد این امکان را دارد که عملکرد ایشان را حدس بزند هر چند که در همه این رفتارها، عنصر ابتکار و خلاقیت ایشان، نوعی خصلت پیشروانه و هدایتگرانه به موضوعات و مسائل می‌بخشد. مبنای جهان‌بینی مقام معظم رهبری، جهان‌بینی توحیدی و بر اساس این جهان‌بینی، نظام هستی هم چون یک کشتی در اقیانوس است که از ساحلی حرکت کرده است یعنی «إِنَّا لِلَّهِ» و به سوی ساحلی در سیلان است، «إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». و لذا مقام معظم رهبری با توسل به این پشتوانه عظیم ایدئولوژیک در عمل ثابت کردند دیانت عین سیاست است، اخلاق عین قدرت است و برای اجرای دستورات دینی، دولت و شریعت لازم است».

۴- مؤلفه‌های مدیریتی مقام معظم رهبری در بحران‌ها



شکل ۵: مؤلفه‌های مدیریتی مقام معظم رهبری در بحران‌ها

مدیریت عملیاتی مقام معظم رهبری بعد از بحران انتخابات سال ۸۸ (مدیریت دفاعی) مرحله عملیاتی مدیریت بحران در فضای انتخابات از زمانی شروع می‌شود که تجمعات و ناآرامی‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. در این مرحله، عوامل تهدید کننده توانسته است با بهره‌گیری از بسترها، اختلافات و با واسطه‌عاملی تهیج کننده، حرکت‌های خیابانی را شکل داده و طرف پیروز را در موضعی تدافعی قرار دهد. آنها تلاش خواهند کرد تا برخلاف مرحله اول، در حداقل زمان ممکن، به نتایج مورد نظر خود در این مرحله دست یابد. پس باید به گونه‌ای عمل نماید تا هر نوع دفاع و مقاومت از سوی مقابل در معرض بحران سلب گردد و این چیزی نیست بجز خیابانی کردن انبوه جمعیت برای مرعوب کردن نظام سیاسی و نیروهای مدافع آن. پس می‌توان تصور نمود وجود فشارهای مضاعف بر دوش نیروهای مدافع نظام تهدیدشونده از ویژگی‌های بارز این مرحله می‌باشد. در این مرحله، برای موفقیت بیشتر در برابر هجمه بحرانی دو عامل تولیدکننده قدرت نرم، بسیار تعیین کننده می‌باشند. این دو عامل عبارتند از نخبگان و توده‌های مردم حامی نظام سیاسی. در صورتی که این دو عامل بتوانند به صورت هماهنگ با یکدیگر عمل نمایند، می‌توانند شرایط تدافعی مرحله سوم بحران را به شرایط متعادل‌تر و حتی تهاجمی تغییر دهند. نخبگان از یک سو می‌توانند زمینه‌سازی‌های لازم را برای شفاف‌سازی و انتقال نقش‌های مردم در مواجهه با بحران فراهم کرده و نقش رهبران فکری را ایفا نمایند و از سوی دیگر، با ورود مردم به صحنه، این حضور را به قدرت سیاسی ترجمه کرده و برای مقابله با بحران سودمند سازند (حسینی، ۱۳۸۸: ۳۸).

اهم محورهای مقام معظم رهبری در مرحله مدیریت عملیاتی

۱- تحلیل حوادث بعد از انتخابات به عنوان فتنه عمیق (درک و شناخت صحیح از بحران)

در شرایطی که حوادث بعد از انتخابات کمتر قابل پیش‌بینی بود و در مجموعه نظام و بدنه وفادار به آن نیز آمادگی‌های تحلیلی و عملی برای برخورد با آن وجود نداشت، تحلیل بحران بعد از انتخابات و تبیین فتنه عمیق، نقش مهمی در مواجهه و

نیز نوع مواجهه با مسایل بعد از انتخابات داشت. شرایط بحران به اختصار شرایطی است که حق بودن طرف حق و باطل بودن طرف باطل بنا به دلایلی از شفافیت افتاده و تشخیص را دشوار کرده باشد.

۱-۱- آفت سنجیدن حق با اشخاص: سابقه و مواضع پیشین جریان بحران‌ساز و جایگاه کنونی برخی از آنها در حاکمیت، بطلان مواضع آنها را از صراحت انداخته بود و در واقع حق زیر سایه سابقه و جایگاه آنها در ابهام فرو رفته بود. برای بخش قابل توجهی از افکار عمومی خصوصاً رأی‌دهندگان به میرحسین موسوی باورپذیر نبود که این افراد به صورت نظام اسلامی چنگ بزنند و در مقام معارضة با آن قرار گیرند.

۱-۲- آفت عدم تفکیک طرف پیروز انتخابات از اصل انقلاب و نظام: برخی حواشی منفی و نقاط ضعف طرف پیروز در قبل از انتخابات مانند (ماجرای مرحوم کردان، مشایی، رحیمی) و نیز برخی گفتارها و رفتارهای آقای احمدی‌نژاد در مناظره‌ها که با مظلوم‌نمایی رقبا همراه شد و به نوعی در جامعه به ویژه نخبگان تلقی منفی بوجود آورد و موجب شد حق در سایه این مسایل، با ابهام و تردید روبرو گردد و افراد و مجموعه‌ها را برای دفاع از واقعیتها (سلامت انتخابات) در عمل دودل و با تردید مواجه نماید. خصوصاً کسانی از اردوگاه اصول‌گرایان که به هر دلیلی درست و یا نادرست به مخالفان سرسخت احمدی‌نژاد در انتخابات تبدیل شده بودند و حاضر شدند با مخالفان سنتی و قدیمی خود علیه او ائتلاف نمایند. این افراد به دلیل آن که حمایت از اصل سلامت انتخابات و مقابله با تهمت‌های زده شده به نظام را به نوعی تایید طرف پیروز انتخابات و ریختن آب به آسیاب مخالف خود تلقی می‌کردند، علی‌رغم دانستن واقعیت‌ها در بهترین حالت سکوت و برخی به تردیدها دامن زدند.

۱-۳- آفت جابجا شدن متن و حاشیه و مسایل اصلی نسبت به مسایل فرعی: حوادثی مانند حادثه کوی دانشگاه، کهریزک و برخوردهای ناگزیر نیروهای انتظامی نیز به بحرانی شدن مسایل کمک کرد و بسترهای روانی و تبلیغاتی فراوانی بوجود آورد که در سایه آنها مسایل اصلی که حضور ۴۰ میلیونی مردم و نیز اتهام و ظلم

نسبت به نظام و مردم بود، در حاشیه قرار گرفت. این حوادث اگرچه در جای خود مهم و قابل بررسی و پیگیری است اما جریان شکست خورده در انتخابات که ادعایش در تقلب در انتخابات، پس از ناتوانی در ارائه مستندات مانند یخی در حال آب شدن بود، مسایل این چنینی را بهترین فرصت برای فرار از پاسخگویی به ادعای خود در مورد سلامت انتخابات دید و اساس فضای تبلیغاتی و جنگ روانی خود را در داخل و خارج آن استوار کرد و نظام را در معرض تهمت‌های بی‌شرمانه‌ای مانند تجاوز جنسی قرار داد و تلاش کرد حاشیه را بر متن غالب نماید که متأسفانه باید گفت ضعف بصیرت خواص موجب شد جریان مذکور در این کار تا حد زیادی موفق شود و بحران را طولانی‌تر نماید.

۴-۱- آفت غفلت از دشمن و عدم مرزبندی با آن: شدت و حدت مسایل بعد از انتخابات و شکل گرفتن منازعات به صورت سنگین در داخل از یک سو و وجود تفکر غلط در جریان فتنه برای استفاده از ظرفیت‌های دشمن خصوصاً ظرفیت‌های انبوه رسانه‌ای به نفع خود از دیگر سو موجب غفلت از دشمن و اهدافش شد. این مسئله موقعیت استثنایی در اختیار جریان ضدانقلاب خارج و داخل قرار داد تا با فضا سازی‌های گسترده و رسانه‌ای سنگین و دروغگویی، تهمت‌زنی و ایجاد جنگ روانی شرایط بوجود آمده را مبهم‌تر و غبار آلودگی واقعیت‌ها را بیشتر کند. بی‌بی‌سی فارسی و رسانه‌های ماهواره‌ای موقعیت مهمی در اختیار آنها قرار داده بود تا در بین بخش‌هایی از جامعه و مردم دارای اعتبار و اعتماد شوند

۲- طرح بصیرت به صورت یک گفتمان در روشنگری و شفاف‌سازی جامعه (بصیرت بخشی)

طرح برجسته و گفتمانی بصیرت به عنوان ضرورت اصلی در مقابله هوشمندانه با بحران و به متن آوردن راهبرد شفاف‌سازی و روشنگری در کنار سایر اقدامات لازم از یک سو و محور شدن خود رهبر انقلاب در انجام روشنگری و بصیرت‌افزایی مردم و نخبگان از سوی دیگر، کلید حل مسایل بعد از انتخابات

است. حضرت آیت الله خامنه ای نخبگان، خواص و جریان‌های سیاسی را به تقویت بصیرت توصیه کردند و افزودند: «وقتی دشمن آشکارا و بدون پرده پوشی در بلوهای بعد از انتخابات حضور داشت، چگونه می‌توان این حضور واضح را انکار کرد، بنابراین بصیرت بسیار مهم است زیرا وجود آن در افراد باعث تغییر خیلی از رفتارها خواهد شد». «نخبگان و خواص باید در فتنه، با بصیرت به روشنگری جامعه بپردازند و بسیار مراقب باشند زیرا برخی اوقات سکوت و کنار کشیدن آنان، کمک به فتنه است.» (بیانات رهبری، ۸۸/۷/۲).

در این حوادث نقش نخبگان و خواص از نظر مقام معظم رهبری جایگاه ویژه ای می‌یابد تا جایی که ایشان در چندین مرحله از سخنرانی‌های خویش صراحتاً به این نقش مهم تأکید کردند و با ابراز تأسف فرمودند: «آدم گاهی می‌بیند که متأسفانه بعضی از نخبگان خودشان هم دچار بی‌بصیرتی‌اند؛ نمی‌فهمند؛ اصلاً ملتفت نیستند». (بیانات رهبری، ۸۸/۵/۲۱)، معظم‌له با یاد آوری هشدار امیر مؤمنان(ع) در این باره تأکید کردند: «بصیرت مهم‌ترین راه مقابله با این فتنه آفرینی هاست» (مقام معظم رهبری: ۸۸/۷/۱۵).

۳- صلابت و قانونگرایی با تأکید بر فصل الخطاب بودن قانون

محوری‌ترین تدابیر رهبری معظم که در شرایط بحرانی حکم تعیین زمین و قاعده بازی را داشت، تأکید بر فصل الخطاب بودن قانون و انجام اعتراضات تنها از مسیر قانون و راههای قانونی و مراجعه به نهادهای قانونی بود. رهبری ابتدا تلاش نمودند تا نامزدهای معترض را به تمکین در برابر قانون و پیگیری مطالبات خود از مجاری قانونی رهنمون سازند و در این راستا از شورای نگهبان خواستند مدت اعتراض به انتخابات را علاوه بر زمان قانونی مقرر تمدید نمایند و در دیدار نمایندگان نامزدهای معترض با ایشان، از آنها خواستند که از مجاری قانونی مطالبات خود را پیگیری نمایند. رهبر معظم انقلاب در ملاقات با مهندس موسوی تأکید بر لزوم حفظ آرامش و متانت خطاب به موسوی فرمودند: «در دوره‌های قبل انتخابات نیز برخی افراد و نامزدها، مسائلی داشتند که از طریق شورای نگهبان به

عنوان مرجع قانونی رسیدگی به شکایات انتخاباتی، پیگیری کردند و در این دوره نیز، مسائل باید از طریق قانونی دنبال شود» (روزنامه ابتکار: ش ۱۴۹۸، ۱۳۸۸/۳/۲۶).

«در همین انتخابات اگر بد عمل بکنیم، به هم بد بگوئیم، با هم کینه‌ورزی کنیم، به یکدیگر تهمت بزنیم، برخلاف قوانین و مقررات رفتار کنیم، می‌تواند وسیله‌ی سقوط و ضعف و انحطاط باشد؛ دست خود ماست؛ امتحان الهی است.» ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: «من به مجریان انتخابات توصیه کرده‌ام، الآن هم توصیه می‌کنم: باید بشدت قانون را رعایت کنند. حد و مرز، قانون است. همه باید الزامات قانونی را بپذیرند و تسلیم الزامات قانونی بشوند. قانون حد فاصل حق و باطل است در حرکت و مشی ملت و مسئولین. قانون را نباید دور زد. این باید رعایت بشود؛ بحمدالله رعایت هم می‌شود. ایشان ضمن فراخوانی نخبگان سیاسی کشور به رعایت قانون گفتند: «اگر نخبگان سیاسی بخواهند قانون را زیر پا بگذارند، یا برای اصلاح ابرو، چشم را کور کنند، چه بخواهند و چه نخواهند مسئول خونها و خشونتها و هرج و مرج‌ها آنهايند... من به این برادران عرض می‌کنم به مسئولیت پیش خدای متعال فکر کنید؛ پیش خدا مسئولید از شما سؤال خواهد شد آخرین وصایای امام را به یاد بیاورید، قانون فصل الخطاب است، قانون را فصل الخطاب بدانید، خصوصاً در شرایطی که جریان بحرانی و برخی خودی‌های غافل تأکید بر حکمیت و مذاکره و مصالحه و حل و فصل مسئله از راههایی داشتند که مدیریت کار را از دست نظام خارج و فرجام مسئله را نامشخص کرده و بر پیچیدگی بحران می‌افزود. بنده زیر بار بدعت‌های غیرقانونی نخواهم رفت. امروز اگر چارچوب‌های قانونی شکسته شد، در آینده هیچ انتخاباتی دیگر مصونیت نخواهد داشت. بنابراین همه چیز دنبال بشود، انجام بگیرد، کارهای درست، بر طبق قانون. اگر واقعاً شبهه‌ای هست، از راه‌های قانونی پیگیری بشود. قانون در این زمینه کامل است و هیچ اشکالی در قانون نیست (خطبه رهبری در نماز جمعه ۲۹ خرداد ۸۸).

بنابراین مقام معظم رهبری از قبل از انتخابات بحران را دیدند و رساندن رأی مردم تا مرحله ثبت قانونی و تاریخی یکی از بزرگترین خدمات مقام معظم رهبری

به اسلام، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران بوده است. معمولاً مهم‌ترین اتهام آشوبگران به مقامات حاکم، قانون‌گریزی آنها و انجام اقدامات دلبخواهانه و مبتنی بر منافع شخصی است. خنثی کردن این اتهام در درجه اول، با تکیه بر قانون امکانپذیر است و ضرورت‌های مقطعی ناشی از بحران، نباید باعث پیدایش این وسوسه در ضد بحران شود که حتی برای دوره کوتاه، رعایت قوانین را به کناری نهاده و به راه‌کارهای میانبر غیرقانونی متوسل شد (حسینی، ۱۳۸۸: ۴۲).

۴- موضع‌گیری قاطعانه و ناکام گذاشتن بیگانگان

محور اصلی حرکت اغتشاشگران بعد از انتخابات به عقب راندن نظام در مواضع اصولی آن بود و رهبری نظام هدف مرکزی این راهبرد محسوب می‌شد. ایستادگی رهبری و قاطعیت ایشان علی‌رغم فشارها، جریان بحران‌ساز را در مقاطع گوناگون کاملاً مایوس کرد. در حوادث روزهای بعد از خطبه‌های نماز جمعه، روز قدس، ۱۳ آبان، ۱۶ آذر و عاشورا و تاسوعا تا ۲۲ بهمن، همین خواسته محور اصلی بود. بعد از حادثه تلخ روز عاشورا و راهپیمایی ۹ دی، برخی چانه‌زنی‌ها از سوی جریان بحران‌ساز به شکل‌های گوناگون مکتوب و شفاهی به منظور تنازل نظام و رهبری از مواضع اصولی صورت پذیرفت اما همه این تلاشها در برابر قاطعیت رهبری، ناکام ماند. مقام معظم رهبری به دنبال دخالت‌های برخی کشورهای استکباری در حوادث پس از انتخابات و حمایت از اغتشاشگران، با هشدار به چنین رفتارهای مداخلانه جویانه ایو اخطار به آنان، صلابت و اقتدار نظام جمهوری را در برخورد با چنین رفتارهایی را به رخ آنان و کسانی که چشم به حمایت‌های آنها دوخته بودند، کشیدند و فرمودند: ما اخطار می‌کنیم؛ ملت ایران به سران بعضی از کشورها که سعی می‌کنند از یک مسئله‌ی داخلی کشورمان علیه ملت ایران استفاده کنند، اخطار می‌کند: حواستان جمع باشد، ملت ایران عکس‌العمل نشان می‌دهد. این را همه بدانند، سران کشورهای استکباری بدانند، مداخله‌گران فضول در مسائل جمهوری اسلامی بدانند: ملت ایران بین خودشان اگر اختلاف هم داشته باشند، وقتی پای شما دشمنان ملت ایران به میان بیاید، همه با

هم متحد می‌شوند؛ یک دست واحد، یک مشت محکم علیه شما می‌شوند. بلاشک این اظهارات خصمانه را، این رفتارهای خصمانه دولتها را محاسبه خواهیم کرد، اینها را در حسابشان خواهیم نوشت؛ این را بدانند. در آینده روابط و تعامل جمهوری اسلامی با این مداخله‌گرها، این رفتار تأثیر منفی خواهد داشت؛ ملت ایران ملتی نیست که زور را تحمل بکند. ملت ایران، ملت مقتدری است. نظام جمهوری اسلامی، نظام ریشه‌دار و تثبیت شده است. مسئولین جمهوری اسلامی اگر صد تا هم با هم اختلاف داشته باشند، در ایستادگی در مقابل دشمن، در حفظ استقلال این کشور، همه با هم یک کلام و یک دست‌اند. این را دشمنان بدانند؛ خیال نکنند که می‌توانند بین ملت انشقاق بیندازند» (بیانات معظم له: ۸۸/۴/۱۵).

۵- تشریح و تبیین عظمت انتخابات ۲۲ خرداد

مقام معظم رهبری، بعد از ظهر این روز پس از تأیید نتایج اعلام شده وزارت کشور توسط شورای نگهبان در پیامی ضمن بزرگداشت حضور تعیین کننده، مقتدرانه، متین و آرامش آفرین ملت بزرگ و هنرمند ایران در جمعه حماسی ۲۲ خرداد، تأکید کردند: «رئیس جمهور منتخب و محترم، رئیس جمهور همه ملت ایران است و همه و از جمله رقیبان دیروز باید یکپارچه از او حمایت و به او کمک کنند». ایشان در این پیام افزود: «گمان بر این است که دشمنان بخواهند با گونه‌هایی از تحریکات بد خواهانه، شیرینی این رویداد را از کام ملت بزداینند. به همه آحاد مردم و به ویژه جوانان عزیز که سر زنده ترین نقش آفرینان این حادثه شور انگیز بودند، توصیه می‌کنم که کاملاً هشیار باشند. چه طرفداران نامزد منتخب و چه هواداران دیگر نامزدهای محترم، از هر گونه رفتار و گفتار تحریک آمیز و بد گمانانه پرهیز کنند. آیت‌اله خامنه‌ای رأی قاطع مردم در ۲۲ خرداد را، رأی به گفتمان انقلاب و احیای ارزشها و آرمانهای انقلاب اسلامی می‌دانست که با گذشت سی سال از آغاز مردم‌سالاری دینی در این کشور از همیشه تازه‌نفس‌تر و سرزنده‌تر در صحنه حاضر شده و دوستان و دشمنان را به ادامه راه روشن خود مطمئن می‌سازد» (مقام معظم رهبری: ۱۳۸۸/۳/۲۳).

ایشان در اولین برخورد با حوادث پس از انتخابات، آن را یک آزمون و امتحان سرنوشت‌ساز برای نخبگان جامعه خواند و در دیدار مسئولان نظام تصریح کردند: «نخبگان مراقب باشند؛ زیرا در امتحان عظیمی قرار گرفته‌اند و موفق نشدن در این امتحان، تنها مردود شدن نیست بلکه موجب سقوط آنان خواهد شد» (مقام معظم رهبری: ۱۳۸۸/۴/۲۹). این انتخابات از آن جهت که بعد از ۳۰ سال با مشارکت ۸۵ درصدی بالغ بر ۴۰ میلیون نفر، رئیس جمهوری را با رای ۲۵ میلیون نفر برگزیدند، حماسه‌ای است که تاثیر فوق العاده‌ای بر جهان داشته است و باعث شده اولاً اقتدار ایران در عرصه بین‌الملل افزایش یابد و ثانیاً در مقابل تهدیدات سخت استکبار بیمه شود. جامعه‌ی حماسی شما، حادثه‌ای خیره‌کننده و بی‌همتا بود که در آن، رشد سیاسی و چهره‌ی مصمم انقلابی و توان و ظرفیت مدنی ملت ایران، در نمایی زیبا و پرشکوه در برابر چشم جهانیان به نمایش درآمد. اقتدار و عزتی که شما با آرامش و متانت و کمال خود در تاریخ کشور به ثبت رساندید و اراده‌ی خلل‌ناپذیری که در میان آتشبار جنگ روانی دشمنان، با حضور در این عرصه‌ی تعیین‌کننده نشان دادید، از چنان اهمیتی برخوردار است که با هیچ بیان معمولی و متعارفی نمی‌توان آن را توصیف کرد. تنها می‌توان گفت که ملت ایران توانسته است همچنان موجبات رحمت الهی را در خود حفظ کند و دست قدرت خداوند را در حمایت از پیشرفت و تعالی این کشور، بالای سر خود نگاه دارد. در چنین فضا و موقعیتی، رهبری نظام با «زلزله سیاسی» خواندن این انتخابات برای دشمنان اسلام و ایران، آن را «یک جشن تاریخی» برای دوستان انقلاب اسلامی وصف می‌کنند: «این» انتخابات، عزیزان من! برای دشمنان شما یک زلزله‌ی سیاسی بود؛ برای دوستان شما در اکناف عالم یک جشن واقعی و تاریخی بود (پیام رهبری خطاب به ملت ایران، ۸۸/۳/۲۳).

۶- دعوت به حفظ وحدت برای خاموش کردن فتنه

دشمن بعد از انتخابات برای ایجاد نفاق و نوعی شکاف اجتماعی اعم از اختلاف‌افکنی میان سلیقه‌های سیاسی، مذهبی و اقلیت‌های قومی، مسئولان عالی رتبه

کشور، حوزه علمیه و نیز سرگرم کردن جوانان به مسائل لهو و لعب و دور کردن آنان از مسیر اصلی زندگی انقلابی ملت ایران، از هیچ تلاشی فرو گذار نکردند. در چنین فضایی وحدت کلمه مسئولان کشور و نخبگان در مسائل اصولی ضرورتی است که ضمن بسط استنباط‌های مشترک از مفاهیم بنیادین، می‌تواند منافذ این توطئه خطرناک دشمن را مسدود کند. نتیجه آرای عمومی در ایران مظهر وحدت ملی است و ولایت فقیه پشتیبان و حافظ اراده ملی است. دیدگاه ایشان این بود که اولاً این رقابت درون نظام بود، ثانیاً همه در این پیروزی شریک بودند، ثالثاً همه کسانی که در این انتخابات رای دادند در حقیقت به نظام اسلامی رأی دادند. این تبیین هوشمندانه در حقیقت به کور کردن نقشه بیگانگان در اجرای تفرقه انجامید. ایشان در برابر تبلیغات دشمن که تلاش می‌نمودند در رقابت‌های انتخاباتی اختلافات به وجود آورند. فرمودند: «مسأله، مسأله درونی نظام است، اینی که بخواهند مسأله را تغییر بدهند، این صد در صد مغرضانه و خباثت آلود است. دعوا بین نظام و بیرون نظام نیست، دعوا بین انقلاب و ضد انقلاب نیست، اختلاف بین عناصری در درون چارچوب نظام است. آن مردمی هم که به این چهار نفر رأی دادند، اینها هم با اعتقاد به نظام رأی دادند، تشخیص دادند این برای کشور بهتر است، به نظام پایبندی اش بیشتر است به او رأی دادند». (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۸۸/۳/۲۹). هشداد رهبری، در آن مقطع اهمیت بسیاری داشت و غفلت از آن، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را برای کشور و مردم به دنبال می‌آورد چرا که دشمن در انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ روی سه شکاف عمده، سرمایه‌گذاری کرده بود: الف) شکاف دولت - دولت. ب) شکاف دولت - ملت. ج) شکاف ملت - ملت.

۷- جلوگیری از انشقاق در خانواده نظام

متأسفانه علی‌رغم توصیه رهبری معظم در روز رأی‌گیری مبنی بر اینکه چه طرفداران نامزد منتخب و چه هواداران دیگر نامزدهای محترم، از هرگونه رفتار و گفتار تحریک آمیز و بدگمانانه پرهیز کنند، تحرکات ناشایستی از سوی برخی نامزدها صورت گرفت. اتخاذ این مواضع از سوی رهبر انقلاب در حالی صورت

می‌گرفت که علی‌رغم اینکه ایشان از همان ابتدا از نقش برخی نامزدها در ترویج شایعات و تحریک مردم مطلع بودند اما همچنان آنان را جزو خانواده نظام می‌داند و نمی‌خواستند مرزبندی و انشقاق در میان نامزدهای انتخاباتی توسط رهبری صورت گیرد... در این فاصله زمانی، حفظ جریان غیرپیروز در چارچوب نظام و جلوگیری از شکسته شدن مرزهای قانونی و جمهوریت توسط آنها، محوری‌ترین رهیافت رهبری نظام در این مقطع و محدوده زمانی است. پذیرفتن موسوی در روز ۲۵ خرداد علی‌رغم صدور بیانیه التهاب‌آفرین وی مبنی بر اینکه اسیر و تسلیم نتایج انتخابات نخواهد شد و آگاه کردن وی از عواقب و پیامدهای چنین موضعی از اولین اقدامات ایشان در این چارچوب است. لزوم پیگیری اعتراضات و شکایات از طریق مرجع قانونی شورای نگهبان و اعلام اطمینان به موسوی مبنی بر رسیدگی با دقت به شکایت از جمله تأکیدات رهبری معظم در این دیدار است. رهبری از همان ابتدا به ناتوانی سران فتنه در کنترل جریان آشوب اشاره نموده و خطاب به آنها اظهار داشتند: «در همان ساعات اول به آنها پیام خصوصی دادم که شما در حال شروع برخی مسائل هستید اما دیگران از آنها سوءاستفاده می‌کنند و شما نمی‌توانید ماجرا را کنترل کنید» (دیدار رهبری با نخبگان، ۸۸/۸/۶). رهبر معظم در برابر اظهارات و خواسته‌های غیرمنطقی این افراد سخن هوشمندانه‌ای را اظهار داشتند که نشان از ژرف‌نگری و عمق بینش ایشان به شمار می‌رود، ضمن ارجاع این افراد به قانون اظهار داشتند «پذیرش ابطال انتخابات یعنی این که بزخم توی دهن چهل میلیون!» خطبه‌های نماز جمعه ۲۹ خرداد یکی از نقاط عطف حوادث بعد از انتخابات به شمار می‌رود. این خطبه‌های تعیین‌کننده علاوه بر آنکه در افزایش تردیدها در بدنه مردمی جریان فتنه و زمینه یک مرحله مهم از ریزش‌ها موثر بود. تکلیف سران فتنه مبنی بر عدم موافقت با هر نوع بدعت غیرقانونی در راستای ابطال انتخابات را نیز تعیین نمود.

۸- تلاش برای مرزبندی خط تخریب و دشمنان با نخبگان و مردم

جدا نمودن خط تخریب و اغتشاشگری از مردم نیز امر دیگری بود که در

توصیه‌های ایشان دیده می‌شد. ایشان با تبیین اهداف دشمنان و نقشه آنان از قبل و بعد از انتخابات، صف مردم را از اغتشاشگرانی که با هدف ضربه زدن به اساس نظام وارد میدان شده بودند را جدا دانسته و در این رابطه فرمودند: بعد از آنکه این حضور عظیم دیده شد، اینها شوکه شدند؛ ... وقتی اعتراض بعضی از نامزدها را دیدند، ناگهان احساس کردند فرصتی برایشان پیش آمد. این فرصت را مغتنم شمردند تا بتوانند موج‌سواری کنند. ... وقتی چشمشان افتاد به بعضی از اجتماعات مردمی که به دعوت نامزدها در خیابانها پیدا شدند، امیدوار شدند، یواش یواش نقابهایشان کنار رفت و حقیقت خودشان را بنا کردند نشان دادن. ... از قول رئیس جمهور آمریکا نقل شد که گفته ما منتظر چنین روزی بودیم که مردم به خیابانها بریزند. ... این ربطی به مردم و طرفداران نامزدها ندارد، این مال بدخواهان است، مال مزدوران است، مال دست‌نشانندگان سرویسهای جاسوسی غربی و صهیونیست است. این کاری که در داخل، ناشیانه از بعضی سر زد، اینها را به طمع انداخت، خیال کردند ایران هم گرجستان است (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۸۸/۳/۲۹).

به دنبال موضع‌گیری‌ها و حمایت‌های نامزدهای معترض و برخی نخبگان سیاسی از حرکت‌ها و جریان‌های برانداز و مخالف نظام، مقام معظم رهبری به نخبگان و خواص نسبت به موضع‌گیری غیرشفاف و چند پهلو در برابر اقدامات برانداز هشدار داده و فرمودند: «آن کسی که برای انقلاب، برای امام، برای اسلام کار می‌کند، بمجردی که ببیند حرف او، حرکت او موجب شده است که یک جهت‌گیری‌ای علیه این اصول به وجود بیاید، فوراً متنه می‌شود. چرا متنه نمی‌شوند؟ وقتی شنیدند که از اصلی‌ترین شعار جمهوری اسلامی «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» اسلامش حذف می‌شود، باید به خود بیایند؛ باید بفهمند که دارند راه را غلط می‌روند، اشتباه می‌کنند؛ باید تبری کنند. وقتی می‌بینند در روز قدس که برای دفاع از فلسطین و علیه رژیم غاصب صهیونیست است، به نفع رژیم غاصب صهیونیست و علیه فلسطین شعار داده می‌شود، باید متنه بشوند، باید خودشان را بکشند کنار، بگویند نه نه، ما با این جریان نیستیم. وقتی می‌بینند سران ظلم و استکبار عالم از اینها حمایت می‌کنند، رؤسای آمریکا و فرانسه و انگلیس و اینهایی

که مظهر ظلمند هم در زمان کنونی، هم در دوره‌ی تاریخی صد سال و دو بیست ساله‌ی تا حالا دارند از اینها حمایت می‌کنند، باید بفهمند یک جای کارشان عیب دارد؛ باید متنبه بشوند. وقتی می‌بینند همه‌ی آدمهای فاسد، سلطنت‌طلب، از اینها حمایت می‌کند، توده‌ای از اینها حمایت می‌کند، رقااص و مطرب فراری از کشور از اینها حمایت می‌کند، باید متنبه بشوند، باید چشمشان باز بشود، باید بفهمند؛ بفهمند که کارشان یک عیبی دارد؛ بلافاصله برگردند بگویند نه، ما نمی‌خواهیم حمایت شما را. چرا رودربایستی می‌کنند؟ یک اختلاف درون خانوادگی را، درون نظام را که مبارزات انتخاباتی بود یک عده‌ای تبدیل کردند به مبارزه‌ی با نظام - البته اینها اقلیتند، کوچکنند؛ در مقابل عظمت ملت ایران صفرند، لکن به نام اینها شعار می‌دهند، اینها هم دل خوش می‌کنند به این، این باید مایه‌ی عبرت باشد. تبلیغ باید بتواند این حقایق را برای مردم و برای خود آنها روشن بکند که بفهمند دارند خطا می‌کنند و اشتباه می‌کنند» (دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، ۸۸/۹/۲۲).

۹- تبیین چارچوب مدارا و قاطعیت در برخورد با مخالفان نظام

آیت‌الله خامنه‌ای با یاد آوری چگونگی برخورد امام با دولت موقت، مخالفان لایحه قصاص و گروهک منافقین افزود: «امام ابتدا مدارا و نصیحت می‌کردند، اما وقتی این روش بی نتیجه می‌ماند قاطعیت از خود نشان دادند». در همین زمینه یادآوری نمود: این گونه برخوردهای امام حتی در سطوح بالاتر از رئیس جمهور هم دیده می‌شد؛ به گونه‌ای که امام(ره) در اواخر عمر با کسانی که احساس کردند مدارا با آنها دیگر امکان ندارد، برخورد کردند (مقام معظم رهبری: ۱۳۸۸/۹/۲۲).

حجه الاسلام محسنی اژه‌ای وزیر وقت اطلاعات در این زمینه می‌گوید: ایشان به بچه‌های وزارت اطلاعات و به نهادهای مربوط تأکید داشتند به کسانی که در خیابان هستند، به کسانی که شما دستگیر یا محاکمه کردید حواستان باشد. مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: «این را به طور قاطع بدانید که با اینها برخورد خواهد شد ... از اولین روزها دستور داده شده و کسانی دنبال هستند؛ متها کارها باید درست با دقت و با مراقبت پیش برود. ایشان درباره حوادث پس از انتخابات

اخیر در کوی دانشگاه تهران تأکید کردند: «در کوی دانشگاه، قطعاً تخلفات بزرگی انجام گرفته، کارهای بدی انجام گرفته. ما گفته‌ایم پرونده‌ی ویژه‌ای برای این کار تهیه شود و به طور دقیق دنبال بگردند و مجرمان را پیدا کنند و وقتی پیدا کردند، به وابستگی‌های سازمانی آنها هم هیچ نگاه نکنند و باید مجازات شوند این را من به طور قاطع گفتم. همین طور قضیه‌ی کهریزک، که حالا آن اعلام شد. قضیه‌ی کوی دانشگاه هم دنبال می‌شود؛ حتی افرادی که کسانشان در این قضایا یا به قتل رسیدند، تعداد معدودی هستند، یا آسیب دیدند، آسیب مالی دیدند. بنا شده برای هر کدام اینها پرونده‌ی جداگانه‌ای تشکیل بدهند. دستور داده‌ایم، گفته‌ایم و این قضایا را دنبال خواهیم کرد؛ منتها توجه کنید که این مسائل هیچکدام نباید با مسئله‌ی اصلی بعد از انتخابات خلط شود. حادثه‌ی اصلی نباید تحت‌الشعاع این حوادث قرار بگیرد» (بیانات معظم له در دیدار با دانشجویان و نخبگان علمی، ۱۳۸۸/۶/۴). رهبری، در مسیر اتمام حجت با جریان ساختارشکن و در برخورد با فتنه‌گران فرمودند: برخلاف برخی تبلیغات اگر کسی یا جریانی، عقیده‌ای مخالف داشته باشد و اصطلاحاً دگر اندیش باشد نظام با او کاری ندارد، اما اگر جریانی به معارضه و ضربه زدن روی آورد و بر روی انقلاب شمشیر بکشد، همانطوری که در هیچ جای دنیا تحمل نمی‌شود، در ایران نیز نظام در دفاع از خود با او برخورد قاطع خواهد کرد (امینی، ۱۳۸۸: ۲۱۸).

۱۰- تدابیر هوشمندانه‌ی تصمیمات فرسایشی در بحران ۸۸

در فاصله زمانی بعد از انتخابات تا خطبه‌های نماز جمعه ۲۹ خرداد ۸۸، حفظ جریان غیر پیروز در چارچوب نظام و جلوگیری از شکسته شدن مرزهای قانونی و جمهوریت توسط آنها، محوری‌ترین رهیافت رهبر معظم جمهوری اسلامی است. دیدار با اعضای ستاد کاندیداهای انتخابات و گفتگوی شفاف و رودرو با آنها، ابتکار دیگر رهبری معظم در راستای تدابیر هوشمندانه حوادث پس از انتخابات است. در این ملاقات ایشان ضمن شنیدن نقطه نظرات آنها، اطمینان دادند که اگر بررسی اشکالات حتی مستلزم شمارش مجدد برخی صندوق‌ها بود، این کار نیز

حتما با حضور نمایندگان ستادها انجام شود تا برای همه اطمینان بوجود آید و بالاتر از آن گفتند که با وجود آنکه مسئولان برگزارای انتخابات در دوره‌های متعدد گذشته از سلايق مختلف بوده‌اند و من به آنها اعتماد کرده‌ام، ولی این اعتماد نباید مانع از بررسی شبهه‌ها و اشکالات و روشن شدن حقایق شود (ویژه‌نامه نوروزی روزنامه جوان: ۳۶).

بین بحران و مدیریت ضد بحران، نسبتی نامتقارن است. به بیان دیگر، جنبش حامل بحران به دلیل آنکه صرفاً در موضع نقد بوده و پاسخگویی هیچ بخشی از مشکلات جامعه و حکومت نیست، در موضعی تهاجمی قرار داشته و همواره پرسش‌گر است؛ اما مدیریت ضد بحران هم باید به پرسش‌ها پاسخ دهد و هم مراقب مسئولیت‌های سیاسی و اجتماعی خود باشد. برای مثال، ممکن است وضعیت‌هایی پیش آید که دستگیری فردی سیاسی به منظور فرونشاندن ناآرامی‌ها، امری ضروری باشد؛ اما همزمان، همین اقدام مشکل دیگری را به بار آورد. وضعیت‌هایی را نیز می‌توان مثال آورد که انجام اقدامات برخورد آمیز ممکن است از سوی پیروان حرکت، حمل بر مظلومیت آن شود. این در حالی است که همزمان، ممکن است نشان دادن مدارا نیز به عنوان ضعف حکومت تلقی گردد؛ بنابراین، در بسیاری از موقعیت‌ها، به کارگیری ترکیبی ظریف و هوشمندانه از اهرم‌های پیشروی مدیریت بحران، امری حیاتی در دستیابی به موفقیت است. در نتیجه، می‌توان بیان داشت که تدابیر مدیریت بحران باید هوشمند باشد، یعنی از کلیه قدرت‌های موجود در اختیار، در زمان و مکان مناسب و با شدت لازم بهره‌گیری نماید (حسینی، ۱۳۸۸: ۴۰).

در واقع الگوی مدیریت بحران مقام معظم رهبری در مواجهه با بحرانهای سیاسی، نمایش بنای فکری، ارزشی و عملی ایشان در بستر مدیریت در اداره نظام سیاسی است که در قالب علم و دانش، بینش و نگرش، ارزش و گرایش و عناصر مدیریتی از قبیل نوآوری و ابتکار، برنامه ریزی، استحکام تشکیلات و سازماندهی، آموزش، آماده نگه داشتن افراد و تجهیزات می‌باشد. رویکرد مقام معظم رهبری در مدیریت بحران، می‌توان ترکیبی از رویکردها دانست که انجام اقدامات باز دارنده

همراه با مواجهه مدیرانه بحران، به نحو مطلوبی صورت گرفته تا نیاز به اتخاذ رویکرد انفعالی نباشد هر چند در صورت لزوم، اقدامات اصلاحی نیز انجام می‌گیرد (نصیری و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۲۷).

مدیریت مقام معظم رهبری سبکی جامع، پویا و منعطف را با تکیه بر دو عنصر عقلانیت و قانون به عنوان عنصر اقتدار بخش برای مدیریت بحران در نظر گرفت. ضمن اینکه ایشان، بحران بعد از انتخابات را به روش مدیریت عملیاتی و انجام اقدامات رفعی در متن بحران از قبیل آگاهی بخشی به نخبگان و مردم، جلوگیری از قانون شکنی حتی به وسیله عوامل اجرایی بدنه نظام و ... تا زمان باز گرداندن آرامش و ثبات به جامعه، مدیریت کردند. این مدیریت را می‌توان رهیافتی که در عین فرایندگرایی، از سنت‌شکنی و بدعت‌گذاری‌ها جلوگیری می‌کند و از سوی دیگر، خلاقیت و نوآوری را در چارچوب اصول لحاظ می‌کند.

رویکرد مقام معظم رهبری در مدیریت بحران سال ۸۸ ترکیبی از رویکردهای پویا، حکیمانه و اسلامی است که تمرکز اصلی، بر آرمان‌گرایی و واقعیت‌نگر بودن دستگاه تصمیم‌گیری بوده که خروجی این دستگاه تصمیم‌گیری، تصمیمات حکیمانه است. بر اساس سیره ائمه معصومین (ع)، خود را آرمان‌گرای واقعیت‌نگر می‌داند و محصول این دستگاه تصمیم‌گیری، تصمیمات حکیمانه خواهد بود. مدیریت حکیمانه-اسلامی فرایندی است در چارچوب جهان‌بینی توحیدیکه در آن تصمیم‌گیرنده برای تدبیر امور فردی و اجتماعی خویش با بهره‌گیری از دانش و هنر مدیریت، همواره با استفاده از اصول و مبانی اعتقادی مدون خود از یکسو و در نظر گرفتن شرایط حاکم بر موضوع (شناخت عوامل داخلی و محیطی) به عنوان پایه واقع‌گرایی از سوی دیگر، تصمیمات خود را می‌گیرد. در این فرآیند هر اندازه درک از اصول و مبانی و پایبندی و التزام به آن عمیق‌تر و شناخت از شرایط و مقتضیات موضوع به واقعیت نزدیک‌تر و آشنایی و مهارت بهره‌گیری از علوم و فنون مدیریت افزون‌تر باشد تصمیمات و تدابیر اخذ شده حکیمانه‌تر، کم هزینه‌تر و آثار و برکات آن ماندگارتر و بهره‌ورتر خواهد بود. این مدیریت برگرفته از رویکردهای دینی و الگوگرفتن از پیامبر اکرم (ص) و حضرت امام خمینی بوده

است. با به کارگیری این رویکرد، رهبری قادر بوده در موقعیت‌های مختلف بحرانی به طور انعطاف‌پذیری پاسخگو باشد و طلاعات کیفی را به صورت هوشمند پردازش نماید. بدین ترتیب سیستم‌های مدیریت، انعطاف بیشتری پیدا می‌کنند و اداره کشور در محیط‌هایی با تغییرات متناوب امکان پذیر می‌شود (منوچهر محمدی، مسعود معینی پور، ۱۳۹۰: ۲۲-۷).

همچنین می‌توان گفت مدل ذهنی رهبر معظم انقلاب یک مدل سه وجهی (بر خلاف رهبرانی که در جهان تک‌بعدی می‌اندیشند) است که نمود خود را در راهبردها و راهکارها به‌خوبی نمایان ساخته است، به عنوان مثال ایشان در حوزه سیاست خارجی از سه وجه عزت، حکمت، مصلحت نام می‌برند و در سیاست داخلی، مثلث عزت، رحمت و اقتدار را می‌سازند که این دو، در ضلع عزت با هم همپوشانی می‌کنند؛ بنابراین در نحوه مدیریت ایشان، با یک ساختار و شبکه هوشمند و هدفمند مواجه هستیم که دستگاه فکری و نقشه رهبری را در حوادث، بحرانها و رویدادهای جامعه نشان می‌دهد. این نوع از مدیریت توسط مقام معظم رهبری دارای مؤلفه‌هایی به شرح ذیل است:

- هدف در این نوع از مدیریت (که مبتنی بر شناخت حقیقت انسان و مراتب وجودی او می‌باشد) خارج کردن انسان از مرتبه حیوانی و وارد کردن او در مرتبه رحمانی و خروج از ظلمات به سوی نور می‌باشد.
- وجود سه عنصر عزت، رحمت و اقتدار در تمام تصمیم‌گیری‌های ایشان نمود دارد.
- در این مدل مباحث حق‌گرایی، واقع‌گرایی و شجاعت ایشان در اتخاذ تصمیم نقش اساسی دارد که فرایند آن یک تصمیم‌گیری عقلایی و حکیمانه است.
- در رویکرد مدیریتی مقام معظم که برگرفته از مدیریت نبوی و مدیریت علوی است توجه به آخرت و توکل بر نیروی بی‌کران الهی مبنای اصلی همه تصمیم‌گیرها است. به عنوان مثال ایشان با توجه به این ویژگی می‌فرمایند:

ایشان برای هدایت جریان در بعد از انتخابات ریاست جمهوری، رفتارها و گفتارهای گوناگونی را به عرصه عمل آوردند، چرا که حفظ آرامش و خودداری از هیجانات خشونت آفرین در قبل از انتخابات برای سلامت انتخابات لازم بود و بعد از انتخابات هم به دلیل حفظ وحدت و عدم خدشه به امنیت ملی و سیمای خارجی نظام مورد اهمیت بود و این بیانگر نقش بی بدیل رهبری در خشی سازی بحران پیش آمده بوده است. در یک نگاه اجمالی می‌توان ثمره و نتیجه مدیریت رهبر معظم انقلاب در فتنه بعد از انتخابات را در محورهای زیر دسته‌بندی کرد:

۱- اقتدار مردمی و معنوی انقلاب و رهبری حماسه عظیم ۹ دی و راهپیمایی ۲۲ بهمن ۸۸ پس از ماهها مظلومیت انقلاب و رهبری و جنگ روانی سنگین تبلیغاتی و رسانه‌ای همراه با دروغ و تهمت، توانست سیمای مقتدر نظام اسلامی و پایگاه عظیم مردمی و اعتماد ملت به انقلاب و مقام معظم رهبری را به نمایش بگذارد.

۲- انزوای سیاسی و مردمی جریان فتنه: حوادثی مانند هتک حرمت عاشورا و راهپیمایی عظیم و پر ابهت ملت ایران در روز ۹ دی و خصوصاً راهپیمایی بی سابقه ۲۲ بهمن بعد از ۸ ماه فتنه‌گری، موجب شد که جریان فتنه و عناصر کلیدی آن در حوزه سیاسی و حاکمیت و مهمتر از آن، از نظر پایگاه اجتماعی منزوی شود. آنها خواستند با ابزار ظرفیت‌های اجتماعی مانند تجمع و راهپیمایی، نظام و انقلاب و رهبری را در بین مردم بی‌اعتبار کنند، در بین ملت ایران بی‌اعتبار شوند.

۳- انسجام بیشتر بین مردم از یک سو و بین مردم و نظام از سوی دیگر: ایجاد شکاف بین بخش‌ها و طبقات گوناگون مردم و قرار دادن مردم رو در روی یکدیگر و نظام و رهبری، از محوری ترین اهداف استکبار بود، اما راهپیمایی ۹ دی و ۲۲ بهمن که با تنوع حضور اقشار مردم همراه و در موضع و شعارها به نفع نظام و انقلاب نیز کاملاً یکدست و منسجم بود، نمایش روشنی از انسجام درونی کشور بود.

۴- شکست سنگین توطئه‌های استکباری و دنباله‌های داخلی آنها و بالا رفتن ضریب امنیتی کشور: در حوادث بعد از انتخابات، یک بار دیگر استکبار و ضد

انقلاب نقاب دار و آشکار داخلی با تمام قوا و توان به میدان آمدند و هر آنچه در اختیار داشتند برای مقابله با جمهوری اسلامی بسیج کردند، اما شکست سنگینی را تجربه کردند که بر ایشان قابل تصور نبود. پیروزی نظام در این رویارویی مانند همه پیروزی‌های گذشته، ضریب امنیت و آسیب‌ناپذیری جمهوری اسلامی و تجارب مسئولین و خود آگاهی مردم را بالاتر برد.

۵- افزایش جایگاه و موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی: از جمله موارد آسیب‌دیده در جریان حوادث بعد از انتخابات، موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی بود که در راهپیمایی ۹ دی و خصوصاً راهپیمایی بی نظیر ۲۲ بهمن تا حد زیادی ترمیم شد. چنانکه تاریخ ایران پس از مشروطه نیز نشان می‌دهد دست یابی به این مرحله از تاریخ ایران بدون حضور رهبری دینی امکان تحقق نداشت. در ایران هیچ تحول اجتماعی عمیق و مناسبی بدون همراهی مرجعیت یا علمای دینی که خاستگاه عمیق تاریخی در فرهنگ ایران دارند ممکن نیست. اگر رهبری به عنوان یک چهره برجسته در مرجعیت دینی در طول دهه‌های گذشته جامعه را به سوی مردم‌سالاری و جمهوریت هدایت کرد، این خواست مهم از توان تمام نیروهای اجتماعی و از جمله روشن فکران خارج بود.

۶- اصل ولایت مطلقه فقیه متضمن هویت اسلامی جمهوری اسلامی است: رابطه‌ای که بین ولی فقیه و امتاز طریق این اصل برقرار می‌شود به صورت خودکار از خالی شدن بدنه‌ی نظام اسلامی از هویت اسلامی جلوگیری به عمل می‌آورد. مؤید این مسئله در صحنه‌های بسیاری در تاریخ پرتیر انقلاب قابل رؤیت است. حضور مردم برای دفاع از نظام اسلامی در بحران بعد از انتخابات سال ۸۸ درست در زمانی که دشمن با وجود فضای مناسب برای اپوزیسیون داخلی همه چیز را تمام شده می‌دانست، مقام معظم رهبری ضمن تأکید بر قانون مداری قاطعانه فرمودند: حضرت امام به کسی باج نداد و ما هم به کسی باج نخواهیم داد و این باعث شد علی‌رغم تلاش همه رسانه‌های معاند خارجی و سردمداران آن‌ها و عناصر بحران آفرین داخلی به تبعیت یا همراهی آنان که می‌کوشیدند حوادث بعد از انتخابات دهم را یک بحران جلوه دهند تا به وسیله آن نظام را به چالش بکشاند

و مسئولین نظام خصوصاً مقام معظم رهبری را به باج‌دهی وادار نمایند با درایت و تیزبینی ایشان اقدام به روشنگری نمودند و همه نامزدهای انتخاباتی و طرفداران آنان را به قانون مداری توصیه می‌فرمودند و حوادث بعد از انتخابات را یک فتنه نامیدند که ریشه در آموزه‌های دینی دارد و راه برون رفت از آن را بصیرت خواص و عوام عنوان کردند و با فتنه خواندن حوادث، قدرت مردم را در مواجهه با آن بزرگ و توان فتنه‌آفرینان برای ایجاد بحران را کوچک جلوه دادند.

نتایج مدیریت مقام معظم رهبری در بحران بعد از انتخابات

- اقتدار مردمی و معنوی انقلاب و رهبری
- انزوای سیاسی و مردمی جریان فتنه
- انسجام بیشتر بین مردم از یک سو و بین مردم و نظام از سوی دیگر
- شکست سنگین ضد انقلاب استکباری و دنباله‌های داخلی آنها و بالا رفتن ضریب امنیتی کشور
- افزایش جایگاه و موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی

نتیجه‌گیری

با توجه به هدف اصلی مقاله که بررسی و تبیین نقش مقام معظم رهبری در مدیریت بحران سال ۸۸ است، اگر بخواهیم نوع رهبری را تحلیل بکنیم، نباید بین عواملی که موقعیت ایجاد کرده است و پارامترهایی که رهبری در آن تصمیم‌گیری کرده بودند، خلط نمائیم. بلکه باید بررسی کنیم و ببینیم که با توجه به برخی از موقعیت‌هایی که وجود داشته، مقام معظم رهبری قبل از انتخابات چه تدابیری اتخاذ کرده‌اند؟ همان‌گونه که در طول مباحث مطرح‌شده ملاحظه شد بعد از بررسی الگوها و رویکردها که در زمینه بحران ارایه شد، اصول مقام معظم رهبری در مدیریت بحران‌ها عبارتند از: اسلام‌خواهی و تأثیر آن در رهبری ایشان، تقید به شرع مقدّس، رحمت و گذشت، امید به آینده، اعتقاد به نقش مردم در مبارزه، صلابت و قاطعیت، حفظ نظام اسلامی، شناخت افراد، اوضاع و جریانات، فراست

و تیزبینی، مبارزه با حاکمیت‌های غیرالهی و طاغوت‌ها، شجاعت، اعتقاد به سیاست نه شرقی، نه غربی، صراحت لهجه، نظارت بر امور و لذا این اصول بنیادین رفتاری باعث شده است که رفتار مدیریتی مقام معظم رهبری برخوردار از یک بصیرت و آگاهی عمیق باشد که این مساله موجب شناخت ویژه نسبت به محیط پیرامون خود، جریان‌شناسی دقیق نسبت به مسائل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی گردد و لذا ایشان با اتکا به این حکمت‌ها، اطلاعات و تجربیات به روزی که دارند توانسته‌اند جلوتر از نخبگان جامعه حرکت کنند و با دو عنصر توکل به خدا و تکلیف محوری که در شخصیت ایشان نمودار است نسبت به حل مشکلات و بحران‌های پیش‌آمده در طول دوران زعامت خود بموقع و با حکمت و تدبیر اقدام کنند.

(www.fars.ir، ۸۸/۳/۱۷)

با توجه به نظریه وبر در مورد رهبران، مقام معظم رهبری دارای ویژگی‌های کاریزماتیک الهی هستند و عنصر عقلانیت و تلاش ایشان برای باور کردن آن بین توده‌های مردم نقش اساسی دارد. مدل اقتدار رهبری مقام عظمای ولایت کاریزماتیک الهی - قانونی بوده که علاوه بر کاریزمایی بودن شخصیت ایشان که بر همگان روشن است، انتخاب ایشان توسط مجلس خبرگان (نمایندگان مردم) دلیلی بر قانونی بودن آن است که به نوع رهبریشان مشروعیت می‌بخشد.

مدیریت بحران‌ها در سطح جهانی بیشتر به برخورد سخت و خشن تأکید دارد و مردم نقش چندانی در روند کاهش و رفع بحران ندارند. ولی در این مقاله اینگونه تبیین شد که با توجه به نوع نظام اسلامی و بینش ولی فقیه که بر گرفته از تعالیم اسلام است و رشد و تعالی انسان مورد نظر است، مردم نقش اساسی دارند، قائل به برخورد سخت نبوده بلکه به دنبال اقناع انسان‌ها در جهت حرکت مطلوب جامعه هستند.

نوع رویکرد مقام معظم رهبری در قبال حوادث و بحران‌ها، همواره در مسیر ثبات‌آفرینی، عقلانیت محوری، واقع‌گرایی و آینده‌نگری بوده است. ایشان با توجه به شناخت عمیقی که نسبت به مسائل جامعه و تاریخ پر فراز و نشیب ایران دارند همیشه جلوتر از نخبگان بوده‌اند؛ و در تصمیم‌گیری و برخورد با بحران‌ها،

ملاک‌های دین و احکام الهی و سیره نبوی و ائمه‌ی معصومین(ع) را الگوی خود قرار داده‌اند و بنابراین فلسفه‌ی مقابله با بحران از نظر ایشان، اجرای احکام قرآن، تکلیف و وظیفه‌ی شرعی اقامه‌ی عدل، حفظ استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، وحدت و اعتماد به نفس ملی و ... می‌باشد. تسلط بر خویشتن، وظیفه‌ی مداری، قاطعیت، یقین، شجاعت، صراحت، از دست ندادن فرصت، خدا باوری، اعتماد و اعتقاد به نقش مردم در جهت مقابله با بحران‌ها از ایشان شخصیت بی نظیر و قابل اتکا ئی ساخته است.

رویکرد مقام معظم رهبری در مدیریت بحران سال ۸۸ ترکیبی از رویکردهای پویا، حکیمانه و اسلامی است که تمرکز اصلی، بر آرمان‌گرایی و واقعیت‌نگر بودن دستگاه تصمیم‌گیری بوده که خروجی این دستگاه تصمیم‌گیری، تصمیمات حکیمانه است. براساس سیره ائمه معصومین(ع)، خود را آرمان‌گرای واقعیت‌نگر می‌داند و محصول این دستگاه تصمیم‌گیری، تصمیمات حکیمانه خواهد بود. مدیریت حکیمانه - اسلامی فرایندی است در چارچوب جهان‌بینی توحیدی که در آن تصمیم‌گیرنده برای تدبیر امور فردی و اجتماعی خویش با بهره‌گیری از دانش و هنر مدیریت، همواره با استفاده از اصول و مبانی اعتقادی مدون خود از یکسو و در نظر گرفتن شرایط حاکم بر موضوع (شناخت عوامل داخلی و محیطی) به عنوان پایه واقع‌گرایی از سوی دیگر، تصمیمات خود را می‌گیرد. در این فرآیند هر اندازه درک از اصول و مبانی و پایبندی و التزام به آن عمیق‌تر و شناخت از شرایط و مقتضیات موضوع به واقعیت نزدیک‌تر و آشنایی و مهارت بهره‌گیری از علوم و فنون مدیریت افزون‌تر باشد تصمیمات و تدابیر اخذشده حکیمانه‌تر، کم‌هزینه‌تر و آثار و برکات آن ماندگارتر و بهره‌ورتر خواهد بود. این مدیریت برگرفته از رویکردهای دینی و الگوگرفتن از پیامبر اکرم(ص)، و حضرت امام خمینی بوده است. لذا این نوع مدیریت در عرصه جهانی یک رویکرد جدید است که توانسته‌اند در موقعیتهای مختلف به طور انعطاف‌پذیری پاسخگو باشد و از مدیریت سخت استفاده نکنند.

در چنین شرایطی مقام معظم رهبری بود که توانست بدون اینکه بحران و

مشکلی در بین مردم بوجود آید با کم هزینه‌ترین مدیریت ممکن، بحران‌ها را مدیریت کنند و امروز این ثباتی که در کشور ما وجود دارد در هیچ کدام از کشورهای منطقه نیست. سه خصوصیت مقام معظم رهبری را در سه «آمن» می‌دانند؛ آمن بریه، آمن بسبيله، آمن بامته، ما این سه آمن را در مقام معظم رهبری در اوج می‌بینیم. در آمن اول خودی نمی‌بینند، به خاطر همین از اصول و ارزش‌ها کوتاه نمی‌آیند، همانگونه که حضرت امام(ره) می‌فرمودند که ما مأمور به وظیفه‌ایم، کاری با نتیجه نداریم، مقام معظم رهبری کاملاً تکلیف محور عمل می‌کنند زیرا اگر انسان خودش برای خودش مطرح بود مقداری محافظه کار می‌شود در مقابل با دیگران کوتاه می‌آید چون حفظ خود برایش مهم است، مقام معظم رهبری منافی ندارند که بخواهند آنها را حفظ کنند؛ بنابراین می‌تواند به عنوان یکی از جلوه‌های ماندگار مدیریت بحران و اقتدار معظم‌له در امر زمامداری و الگویی نوین از مدیریت برای فرماندهان و مدیران باشد؛ بنابراین با توجه به نوع مدیریت حکیمانه- اسلامی مقام معظم رهبری که در قالب سه اصل عزت، رحمت و اقتدار وجود دارد این بحران با حمایت بی‌دریغ مردم از نظام و رهبری آن به وضعیت عادی برگشت.

منابع

۱. امیری، ابوالفضل (۱۳۹۰)، جنگ نرم از تهدید تا مواجهه، انتشارات شوریده.
۲. ازگلی، محمد (۱۳۸۳)، رهبری استراتژیک و چشم‌انداز، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
۳. اخوان، محمدجواد (۱۳۸۹)، بازخوانی پرونده یک سال نبرد نرم، ج ۳، تهران: مرکز مطالعات بسیج دانشجویی.
۴. اداره‌ی سیاسی ستاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه (۱۳۷۷)، جدایی تا رویارویی.
۵. اداره‌ی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه (۱۳۸۸)، تحلیلی بر انتخابات دهم و حوادث پس از آن، تیرماه.
۶. اداره‌ی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه (۱۳۸۹)، گذر از فتنه ۸۸ چاپ دوم، قم: نشر اعتدال.
۷. اسماعیلی، حمید رضا (۱۳۸۹)، شورش اشرافیت بر جمهوریت، ریشه‌یابی حوادث سال ۱۳۸۸، چاپ سوم، تهران.
۸. بیرویدیان، نادر (۱۳۸۵)، مدیریت بحران، مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد.
۹. پای، لوسین و دیگران (۱۳۸۰)، بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، تهران: کوثر.
۱۰. پژوهشکده تحقیقات اسلامی (بی‌تا)، اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، بی‌جا، نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۱۱. تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، مدیریت بحران، تهران: انتشارات جلالی.
۱۲. تدبیری، سیروس و رضا شفیع‌زاده (۱۳۸۶)، رهبری و نقش آن در سازمان و مدیریت، ناشر دانشگاه آزاد.
۱۳. تنودور نیوتن ویل (۱۳۸۶)، گروه مترجمان میثاق مدیران، نشریه مدیران پیشرفته ایران، شماره ۲۵، شهریور.

۱۴. جهان بزرگی، احمد (۱۳۷۹)، *متدولوژی تفسیر سیاسی*، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۱۵. جمعی از نویسندگان، مدیریت بحران (۱ و ۲) (۱۳۸۶)، تهران، معاونت آموزش ناجا.
۱۶. حسینی حسین (۱۳۸۶)، بحران چیست و چگونه تعریف می‌شود، *فصلنامه امنیت شماره ۱ و ۲*، مطالعات و تحقیقات امنیتی وزارت کشور.
۱۷. حمیدرضا رضوانی (۱۳۸۵)، مدیریت بحران، *ماهنامه علمی آموزشی تدبیر*، سال هفتم، شماره ۱۷۰.
۱۸. شه وری، احمد (۱۳۷۵)، *دیپلماسی بحران*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۹. حسن‌پور، اسماعیل (۱۳۸۸) (مترجم)، *رهبری در بحران*، مرکز مدیریت بحران، دانشگاه امام حسین (ع).
۲۰. کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۶۶)، *مدیریت بحران‌های بین‌المللی*، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۲۱. محمدنژاد، میرعلی و نوروزی، محمدتقی (۱۳۷۸)، *فرهنگ استراتژی*، بی‌جا: سوره.
۲۲. معاونت سیاسی نمسا (۱۳۸۱)، *گونه‌شناسی بحرانها و راهبردهای مقابله با آنها*، تهران: چاپخانه نمسا.
۲۳. معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه (۱۳۸۱)، *گذر از فتنه ۸۸*، تهران.
۲۴. معاونت سیاسی نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها (۱۳۸۸)، *بررسی ابعاد مدیریت رهبر معظم ا.ا در فتنه‌ی ۸۸*، تهران.

25. Steven Lukes (2007), "Power and the Battle for Hearts and Minds: On the Bluntness of Soft Power", in *Power in World Politics*, Edited by Felix Berenskoetter & M. J. Williams, London & New York: Routledge.
26. Dawn, R. Gilpin and Priscilla, J. Murphy (2008), "Crisis Management in Complex World", Oxford University Press, Inc.
27. Mitroff, I.I. (1994), "Crisis management and environmentalism: a natural fit", *California Management Review*, Vol.36 No.2, pp. 101-130.

۲۸. رجانیوز، مورخ ۱۳ آبان ۱۳۸۹، ساعت ۱۹.
۲۹. سایت پرشین بلاگ بصیرت، ۱۳۹۰/۱۱/۲۵، مندرج در:
www.bacirat3.persianblog.ir/post/6.
۳۰. سعیدی، مهدی، ۲۹ شهریورماه ۱۳۸۸، مندرج در:
www.bimemoj.blogfa.com/post-148.
۳۱. فرزندگان، محمد، بررسی حوادث روز عاشورای ۱۳۸۸، مندرج در: www.basirat.ir.
۳۲. پایگاه خبری ایسنا، ۱۳۸۸/۳/۲۸.